

اُمید

در امریکانته

\$1.50

شمارهٔ ششم /سال بیست وچهارم / دوشنبه ۵ اسد ۱۳۹۴ / ۲۷ جولای ۲۰۱۵ / شمارهٔ مسلسل ۱۰۰۱

علمای علم طبقات الارض و علم ریاضی و فلکی و علوم طبیعی، باهم همکاری کرده و دست به هم داده اند تا توانسته اند قصر علم را خیلی بلند ببرند، واین درحقیقت قصر عظمت خداوند است . هرچند نطق علم وسیعتر می گردد، براهین نیرومند و قاطع بر اثبات وجود خداوند آفریننده و سرمدی زیادتز می شود . (تجلی خداوند در آفاق وانفس) برگرفته از کتاب (درس هایی از اسلام) تألیف پروفیسرداکتر محمدابراهیم عظیم

آبگیری بند سلما آغاز شد



۲۶جولای/هرات ـ باختـر: پس از سال ها انتظار، امروز آبگیری بند سلما آغاز شد. کارساخت بندسلما دوازده سال قبل دروسوالی چشت شریف آغاز شد و اکنون بعداز تکمیل کارساختمانی احداث بند ، کار آبگیری آن آغازشده است. احسان الله حیات سخنگوی والی هرات: حوالی ساعت ۱۲ظهرامروزدروازه های بند سلما پایین کشیده شد ورسما کارآبگیری آن آغازشد.عبدالمجید روزی قوماندان امنیه هرات نیزازطریق مخابره بامسئولان پلیس وامینتی ولسوالی چشت شریف صحبت کرد و اطمینان داد که تأمین امنیت این ولسوالی واطراف بند سلما یکی ازاولویتهای کاری پلیس است .

جنرال کنسولگری هندوستان درهرات نیزپارسال خبرنامه گفته آبگیری بند سلما۱۲تا۹ ماه طول خواهد کشید. درین خبرنامه آمده: آبگیری مخزن بند سلما، یک مرحله مهم را جهت آبگیری وبسته نمودن دروازه تونل انحرافی برای ذخیره نمودن آب سپری نموده است.

مخزن آب بندسلما ۲۰ کیلومتر طول و ۳٫۷ کیلومترعرض دارد و گنجایش ذخیره ۶۴۰ میلیون مترمکعب آب راداراست . بند سلما باهزینۀ سه صدملیون دالرامریکایی باکمک هندوستان بعنوان یک پروژه آبی که برق نیزازآن تولید وهم برای آبیاری استفاده میشود ، برپالای درباری هربرود دروسوالی چشت شریف ساخته شده است این بند ظرفیت تولید ۴۲ میگاوات برق و امکانات آبیاری ۸۰۰۰۰ هکتارزمین رادارا مییاشد.

بندسلما شامل ساخت دیوارپار تفاق ۱۰۷٫۵ متر و ۵۵۰ مترطول می باشد،در حالیکه پایه های انتقال برق ازهرات تابه چشت شریف تمدید شده، مسئولان کنسولگری هندوستان درهرات میگویند: این پروژه در اواسط سال ۲۰۱۶ میلادی به بهره برداری می رسد .

احمد مسعود از دانشگاه شاهی بریتانیا فارغ شد

۲۱جولای/لندن ـ روزنامهٔ ماندگار : احمدمسعود فرزنداحمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور از دانشگاه شاهی بریتانیا سندفراغت بدست آورد. آقای مسعود، چهارسال پیش در رشتهٔ علوم سیاسی دانشگاه شاهی بریتانیا ـبعنوان دانشجو پذیرفته شد و دیروز رسماً به درجهٔ عالی فارغ گردید. احمد مسعود تصمیم دارد تحصیلات خویش را تا سوهٔ فوق لیسانس ودکترا درین دانشگاه ادامه بدهد. احمد یگانه پسرشهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی افغانستان است. درمراسم فراغت احمد، احمدولی مسعود رئیس عمومی بنیادشهید مسعود و کاکای او به گونهٔ ویژه دعوت شده بود. هزاران تن دیروز فراغت احمد مسعود از دانشگاه شاهی لندن را در صفحات اجتماعی به وی و خانوادهاش تبریک گفتند .

کارکنان هفته نامهٔ امیدنیزاین موفقیت را به فرزندقهرمان ملی تبریک میگویند.

طالبان پاکستان درکوه صافی آمده اند

۲۱جولای/کابل ـماندگار ـ یک منبع آگاه به روزنامهٔ ماندگار گزارش داد یک شب قبل ازعیدفطر، شماری از طالبان خارجی که عمدتاً شهروندان پاکستان هستند، در منطقه موسوم به غرچین در ولسوالی کوه صافی ولایت پروان گرد آمده ند. آنان این منطقه را ازشب اول عیدفطر به اینطرف زیر کنترل دارند اما دولت و نیروهای امریکایی هیچ واکنشی در برابر آن نداشته اند. این منبع گفت این طالبان، از روز اول عید تا امروز، ده تن از سربازان و افسران ارتش ملی را که درین منطقه زندگی داشتند، کشته اند. منبع گفت طالبان اول خانه افراد ارتش را شناسایی و شب هنگام به آن یورش برده و آنان را کشتند، در روز اول عید، چهار سرباز کشته شد و در روز دوم و سوم عید شش افسریابین رتبه ارتش را درین منطقه کشته اند.منبع گفت در برابر این اقدامات هیچ واکنشی نشان داده نشده است. بعد ازین رویداد، برخی از ساکنین منطقه غرچین خانه های شانرا ترک کرده و درد دیگر مناطق کوه صافی و کابل پناه گزیدند.

کوه صافی مشرف بر میدان هوایی بگرام است و حضور جنگجویان پاکستانی در روستاهای این ولسوالی می تواند برای پایگاههای نظامی بگرام وحتا کابل خطرناک باشد.منبع گفت دو روزپیش از عید، جرخ بالهایی سلاح و مهمات را به همین منطقه پایین کرده بود و حالا احتمال می رود که همین سلاح و مهمات در دست طالبان پاکستانی افتاده باشد.این منبع میگویدهمه ارگانهای امنیتی و دفاعی این موردرا در گزارشهای شان دارند اما کسی به آن تا کنون توجه نکرده است.

مقامهای محلی در ولسوالی کوه صافی حضور طالبان در این ولسوالی را تأیید کرده می گویند که این طالبان افغانهایی اند که از سالها به اینسودر پاکستان زندگی کرده و پاکستانیهای اصل نیستند.اما برخی از ساکنان ولسوالی کوه صافی بارد سخنان مسئولان، به روزنامه ماندگار گفتندچه کسی شناسنامه این طالبان رادیده که پاکستانی اند یا افغانی. این ساکنان می پرسند که چگونه این طالبان پاکستانی به این منطقه رسیده اند و صاحب سلاح و مهمات اند .

افغان مینی مارکیت عرضه کننده انواع مواد خوراکی و طنی

یگانه مغازهٔ افغانی در منطقهٔ واشنگتن بزرگ

که تازه ترین موادخوراکی، انواع میوه های فصل، نان های تازهٔ وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، وگوشت های تازهٔ مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبیت تقدیم میکند ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با **Western Union**
6566 Backlick Rd.Springfield, VA 22150
Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

جنگ بچه بازان ۲۱ کشته بجا گذاشت

۲۷جولای/بغلان ـبی بی سی: پلیس ولایت بغلان گفت درگیری مهمانان مسلح در یک مراسم عروسی منجر به مرگ ۲۱ نفر و زخمی شدن ۸ نفر دیگر شده است. فرمانده پلیس گفت مهمانان مسلح که او آنها را افراد مسلح غیر مسئول نامید، دیشب در لسوالی ده صلاح در پی تنش لفظی باهم درگیر شدند. والی بغلان گفت گزارشهای اولیه بیانگر احتمال اختلاف افراد مسلح بر سر بچه بازی است. آقای عبادی افزود بچه ای که بر سر او اختلاف بوده، در این درگیری کشته شد. دلایل اصلی واقعه پس از تکمیل بررسی هیئت تحقیق مشخص خواهد شد.

طالبان سربازان اسیر در بدخشان را رها کردند

۲۶ جولای/کابل ـ بی بی سی: مقام‌های ولایت بدخشان تأیید کردند که ۱۰۷ سرباز پلیس محلی و پلیس مرزی که شب گذشته به نیروهای وابسته به طالبان پیوسته بودند، توسط افراد طالبان رها شده‌اند. لعل محمد احمدزی، سخنگوی پلیس ولایت بدخشان گفت این افراد بر اساس یک معامله با طالبان در منطقه تیرگران ولسوالی وردوج یکجاشده بودندو در ازای تحویل دادن تمام امکانات نظامی شان آزاد شدند. او گفت ۱۹ سرباز پلیس محلی نیز به دستور فرماندهان خود به نیروهای مخالف دولت پیوسته بودندولی امروز توانستند با استفاده از فرصت به همراه سلاح‌ها بشان به نیروهای دولتی پیوندند.

ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان هم در حساب تویتری خود نوشت این سربازان دیروز به نیروهای وابسته به این گروه تسلیم شده بودند و امروز با وساطت بزرگان قومی و گرفتن ضمانت آزاد شده‌اند.

پیشتر رسانه‌های محلی افغانستان گزارش داده بودند که نزدیک به ۱۲۰ سرباز امنیتی افغان در ولسوالی وردوج ولایت بدخشان در محاصره طالبان قرار گرفته انداگر کمک فوری نرسد امکان بروز یک فاجعه انسانی وجود دارد.

صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله دیروز گفت خبرهای مبنی بر محاصره شدن نیروهای امنیتی افغان در ولسوالی وردوج واقعیت ندارد. او که در نشست خبری مشترک با سخنگوی وزارت دفاع صحبت میکرد، تأکید کرد نیروهای امنیتی در نقاط دور افتاده کشور مستقر هستند و هیچ پاسگاه یا پایگاه این نیروها در هیچ نقطه‌ای از افغانستان در محاصره نیروهای مخالف دولت نیست.

شاه ولی الله ادیب، سرپرست ولایت بدخشان دیروز محاصرهٔ این افراد را تأیید کرده و گفته بود او در مورد وضعیت منطقه تیرگران با رئیس جمهوری، رئیس اجرائی و وزیران داخله و دفاع صحبت کرده، ولی برای حمایت از این نیروها اقدام لازم صورت نگرفته است. او گفت نیروهای امنیتی حملات نیروهای مخالف دولت را دفع کرده‌اند ولی برای اعزام واحدهای کماندو به این منطقه و رفع محاصره از آنان اقدامی نشده است. جنرال بابه جان، فرمانده پلیس ولایت بدخشان گفت دلیل سقوط این پایگاه‌ها روحیه ضعیف سربازان بوده نه کم بودن مهمات جنگی. در این پاسگاه‌ها برای سه ماه مهمات جنگی و آذوقه برای سربازان وجود داشته است.

طالبان یازده مسافر را گروگان گرفتند

۲۶جولای /بغلان ـ بی بی سی: مقامات امنیتی ولایت بغلان میگویند طالبان ۱۶ مسافر را در این ولایت گروگان گرفته‌اند. عبدالجبار پردلی، فرمانده پلیس بغلان میگوید طالبان پنج نفر ازین مسافران (چهار زن و یک مرد) را رها کرده‌اند اما بقیه ربوده‌شدگان هنوز در بند طالبان هستند. این مسافران زمانیکه از ولسوالی دهنه غوری به سمت شهر بلخمری، در حرکت بودند، به دست طالبان افتادند. فرمانده پلیس بغلان تأکید میکند این موضوع مشکل سیاسی نیست و بزرگان قومی برای حل این مشکل در تلاش هستند. ساکنان محلی نیز گفته‌اند این مشکل ناشی از اختلاف بر سر مواشی (دام) میان دو قوم است. گفته میشود یکی از اقوام ادعا میکند قوم دیگر مواشی آنها را با خود برده است، از طالبان برای حل مشکل شان کمک خواسته‌اند و طالبان این مسافران را که مربوط به قوم مقابل هستند، گروگان گرفته‌اند.

سیل صدها خانه را در شمال تخریب کرد

۲۶ جولای /جوزجان ـ بی بی سی: عبدالرحمن محمودی، معاون ولایت جوزجان گفت طغیان رودخانه آمو سبب تخریب حدود ۵۰۰ منزل مسکونی در ولسوالی خناب وقرقین شده‌است. درین حادثهٔ بیش از ۷۰۰ راس دام نیز تلف شده‌اند. زمین‌های کشاورزی و باغ‌های این منطقه نیز آسیب دیده و مردم محل مجبور شده‌اند به مناطق مرتفع‌تر پناه ببرند. این حادثه تلفات جانی در پی نداشته است. او وضعیت ساکنان این مناطق را نگران کننده توصیف کرد و گفت کمکهای انجام شده برای مردم کافی نبوده و شماری زیادی از خانواده‌ها در حال در فضای باز به سر می‌برند.

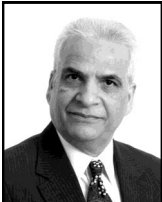
معاون والی بدخشان گفت در سالهای گذشته نیز درین مناطق رودخانه طغیان می کرد، ولی طغیان امسال رودخانه آمو بی‌سابقه است. مقامهای ولایت بدخشان نیز گفته‌اند حدود ۳۰ خانه در روستای سی ولسوالی کوف آب بدلیل جاری شدن سیلاب تخریب شده است. بگفته سیدعبدالله همایون دهقان، رئیس اداره مبارزه با حوادث طبیعی بدخشان بر اساس اطلاعات ابتدایی از منطقه، ساکنان این روستا در حال حاضر در فضای باز و بدون سرپناه بسر میبرند . بدلیل مسدود راه‌ها، کمک‌رسانی به این روستا نیز با مشکل مواجه شده است. این حادثه تلفات جانی نداشته ولی خسارت مالی زیادی به مردم وارد کرده است .چند روز قبل نیز طغیان دو رودخانه در بدخشان سبب تخریب ۵۰۰ منزل مسکونی شده بود .

هلاکت هفت طالب پاکستانی در نورستان

۲۷جولای /نورستان ـ باختـر: ۷ طالب پاکستانی در تازه ترین درگیریهادر ولایت نورستان امروز هنگامیکه میخواسند بر کاروان حامل نظامیان در ولسوالی کامدیش حمله کنند آماج قرار گرفتند. یک قوماندان ارشد پلیس مرزی گفت مهاجمان با عبور از نوار دیورند میخواسند بر کاروان حامل نظامیان حمله کنند . درین حادثه به سربازان و غیر نظامیان آسیب نرسیده است.

بیمه استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR, STATE FARM IS THERE.®



For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی ، افضل ناصری

خانه، موتو، صحت
حیات، تجارت



آغاز نظرخواهی از مردم و کارشناسان

۲۵جولای/کابل ـ بی بی سی: صبرینا ثاقب، عضو کمیسیون ویژه اصلاحات انتخاباتی افغانستان میگوید این کمیسیون از امروز ۲۵جولای اعلامیه‌هایی را برای ده روز در رسانه‌ها پخش میکند و از مردم دعوت میکند تا نظرات و پیشنهادات خود را برای اصلاح نظام انتخاباتی افغانستان به این کمیسیون ارائه کنند. خانم ثاقب که در برنامه نوبت شمای بی بی سی فارسی صحبت می کرد، از مردم خواست: بازوی این کمیسیون شوید و پیشنهادات خود را برای ما بفرستید و کمیسیون را یاری کنید .

کمیسیون ویژه اصلاحات انتخاباتی که از مواد اصلی موافقت‌نامه دولت وحدت ملی است، سه روز پیش کار عملی خود را آغاز کرد. خانم ثاقب گفت کمیسیون موظف شده تا فعالیت خود را در سه مرحله کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت انجام دهد. او افزود: پیشنهادات خاص کوتاه مدت خود را باید برای انتخابات بعدی پارلمان افغانستان و شوراهای ولسوالی ها ارائه کنیم. دو ماه وقت داریم که پیشنهادات خود را برای انتخابات پارلمانی ارائه بدهیم. در میان مدت برای انتخابات آینده ریاست جمهوری باید آماده شویم و در دراز مدت، در مجموع برای سیستم انتخاباتی افغانستان باید پیشنهادات خود را ارائه کنیم. او گفت: کمیسیون نظرات مردم و نهادهای مدنی را جمع آوری خواهد کرد و به عنوان یک کمیسیون مستقل که عملاً نه به حکومت، بلکه به مردم و به نظام دموکراتیک در افغانستان وابستگی دارد، کار تخصصی وفی وقانونی خود را انجام خواهد داد تا بهترین پیشنهادات را بتواند ارائه دهد.

اماخانم ثاقب افزود هیچ تضمینی وجود ندارد که تمام پیشنهادات ارائه شده توسط این کمیسیون عملی شود و عملی شدن آن بیشتر وابسته به اراده سیاسی رهبران دولت وحدت ملی است. ثاقب گفت یکی از وظایف این کمیسیون تازه تشکیل بررسی قانون تشکیلات، وظایف و صلاحیتهای کمیسیونهای انتخاباتی است. درین روند بررسی موارد و معیارهای نیز در نظر گرفته خواهند شد که چه کسانی صلاحیت وشایستگی حضور در کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون سمع شکایات را خواهند داشت. باورمن اینست که باوضع این معیارهای جدید قطعاً کسانی که قبلاً هدهده دار این مسئولیت‌ها بودند، از وظیفه خود کنار خواهند رفت و افراد جدید مسئولین را خواهند پذیرفت.

براساس فرمان رئیس جمهوری افغانستان، شاه سلطان عاکفی، به عنوان رئیس، صدیق‌الله توحیدی، به عنوان معاون و علی امیری، عبدالقدیر کریاب، بشیر فاروق، فیض‌الله ذکی، صالح محمد ریگستانی، کاوون کاکر، صبرینا ثاقب، گل احمد مددی، عزیرالله رفیعی، عبدالمجید غنی‌زاده، معاون وزارت عدلیه، تادامیچی یاموتو، نماینده سازمان ملل به عنوان اعضای این کمیسیون تعیین شده اند.

والی دایکندی به کار آغاز کرد

۲۵جولای /بامیان ـ صدای امریکا: معصومه مرادی والی جدید دایکندی بانزدیک به سه ماه تأخیر ازسوی اداره مستقل ارگانهای محل دراین ولایت معرفی شد. وی حدود دو نیم ماه قبل از سوی رئیس جمهور بیثٔ اولین والی زن درحکومت وحدت ملی درولایت دایکندی معرفی شد. بعداً موجی از مخالفتها ازسوی شماری از وکلای دایکندی در شورای ملی واهالی این ولایت راه اندازی شد. اما خانم مرادی روز یکشنبه ازسوی نادر یماعین مسلکی پالیسی اداره مستقل ارگانهای محل رسماً به مسئولین حکومتی دایکندی معرفی شد.



بانو سیما جوینده



بانو معصومه مرادی

معصومه مرادی بعد از مراسم معرفی، گفت من وابسته به هیچ حزب وجریان سیاسی نیستم وبرای فعالیت سیاسی در دایکندی نیامده ام وبعنوان نماینده رییس جمهور هدم خدمت به دایکندی و مردم این ولایت است، مخالفین تقرر من دوستانم است واکون آنها مخالفت ندارند و من با توجه به پلان ۱۰۰روز نخست کاری ام اولویتهای چون تقویت خدمات صحتی، رشد معارف وسرک سازی وسایر برنامه ها را تطبیق خواهم کرد. امانصرالله صادقی زاده نیلی نماینده مردم دایکندی در شورای ملی گفت حکومت به خواستهای مردم توجه نکرده وهم چنان مخالفت ما ادامه خواهد داشت، درحالیکه شماری از باشندگان ولایت دایکندی با استقبال گرم از معرفی خانم مرادی، میگویند با معرفی وشروع به کار خانم مرادی به حیث یک والی زن توجه دولت افغانستان وجامعه جهانی دراین ولایت بیشتر میشود. باشندگان دایکندی میگویند انتخاب یک زن بحیث والی میتواند بودجه بیشتر را برای این ولایت فراهم سازد.

برخیها درشورای علمای ولایت غورنیز مخالفت شانرا با تقرر سیما جوینده دومین والی زن درحکومت وحدت ملی درولایت غور ابراز کرده اند. شماری از علما تقرر خانم جوینده را بحیث والی خلاف شریعت دانسته اماشورای علمای این ولایت با وجود مخالفت با تقرر خانم جوینده بحیث والی این ولایت ادامه کار او راخلاف شریعت نمیدانند. سیما جوینده کمتر از یکماه قبل ازسوی رئیس جمهور بحیث والی جدید ولایت غور معرفی شد.شماری از باشندگان ولایات دایکندی و غور مخالفت های شماری از افرادو وکلای دایکندی را قبل ازوقت دانسته میگویند از تداوم این مخالفت ها مردم متضرر می شوند .

عبدالودود ظفری المیدا - کالیفورنیا
کرزی سقوط خودرا نپذیرفته است !
رونالد راولند یک همکارروزنامهٔ نیویارک تایمزگزارشی رازپر عنوان (کرزی خودرا خاتمه یافته مینندارد و دربارهٔ میراث خود صحبت میکند)، در شمارهٔ ۱۶جون ۲۰۱۵ آن به نشرسپرده است. پس ازیک تبصره، برگردان فارسی گزارش پیشکش می گردد.

درجهان رسم چنان است که زعیم منتخب یک کشوردمو کراتیک، دریایان کار وسپردن مقام به جانشین خود، باستفاده از امتیازاتی که درقانون برایش پیشینی شده، به مثابهٔ یک شهروندعادی دریک گوشهٔ آرام به زندگی ادامه میدهده، به نوشتن خاطرات میپردازه، با ظاهرشدن دردانشگاهها ومجامع علمی دربارهٔ برداشتها وتجارب کاری خود سخنرانی میکند ونظریات اصلاحی خودرا برای بهبود اوضاع جامعه ارائه میدهد، وبه کارهای اجتماعی ورفاه عامه مبادرت میورزد. زعیم کناررفته، بدون آنکه مقامات از اوخواسته باشند، در امورسیاسی واوضاع جاری کشوردخالت نمی کند، وبه زعم خود به نمایندگی ازدولت صحبت نمی نماید. این اصل درمورد آقای کرزی صدق نمی کند، باوجودیکه ظاهراً خودرا درین بست می بیندوخاتمه یافته میدانده، خلاف آنچه ادعای نماید، عمل می دارد.

آقای کرزی باآنکه دیوار باتحطی بزرگ درانتخابات سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۹ قدرت رادزدیده وافغانستان رادرانتظار جهانیان بدنام ساخت، آرام ننشسته به سفرهای داخلی وخارجی میپردازه، با راه اندازی مهمانها باسران قبایل، اقوام، اشخاص بانفوذ، فرماندهان جهادی، وزراء والیها، وکلای پیشین وافراد ناراضی ازحکومت غنی، دیدار میکند، بازعما وسفرای کشورهای مختلف ملاقات می کند وهمانند یک مقام رسمی مسئول ابراز نظر میدارد. کرزی که نتوانست انتخابات سال ۲۰۱۴ رابه منظورادامهٔ کار خود سوتاز کند، ازانامزدی آقای اشرف غنی احمدزی، به امیداین که درقدرت به نوعی دخیل باشد، باتمام قدرت حمایت کرد، بااعطای تحفه وتارتق، وعده وعید وتوسل به حربهٔ فرسودهٔ قومی ازطریق عناصرفساد وقبیله پرست، در کمسیونهای نامستقل انتخابات، مانند ضیالحق امرخیل، ستار سعادت، نورستانی وشماری رسوای دیگر، باتحطی وقلب ملیونها رای به قدرت رسانید. کرزی ازجانبداری قاطع ازغنی احمد زی، برنامه داشت با یکاریستن حیلۀ یوتیوین ومدیدوف، رئیس جمهور ونخست وزیر روسیهٔ فدراتیف، قدرت رابصورت دورانی میان خود و احمدزی درداخل قبیلهٔ خود نگهدارد ودیگران را نگذارد در آن رخنه بدارند.

چون غنی احمدزی توانست تمامی توقعات کرزی را را، باوجود نامیدن میدان هوایی کابل بنام کرزی، وعده های حرمت به وی و حفظ روش حکومنداری اش، بطور کامل پرآورده گردانده، ودرهر چیز اوراشامل سازد، وی موقف ضد اتخاٰنمود، ظاهرا حمایت از حکومت اتحادملی را سفارش میکند، ولی درعمل حکومت را تخریب مینماید.

کرزی نزدیکی احمدزی رابا پاکستان محکوم میکندو آنراعبور ازخط قرمز میشارد، ولی خودش ۲۲ بار به پاکستان سفر کرد وباکرنتهای غیرمعمول به زعمای بدبنت پاکستان، آبروی ملی مارا ریخت و در ازای آن هیچ چیزی به دست نیاورد. حتا آقای کرزی بخاطرخوش خدمتی به پاکستان، دربرابرستوایی بیان داشت که اگرمیان امریکاو پاکستان جنگ واقع شود، اوبه طرفداری پاکستان داخل میدان خواهد شد. گفتار و کردار کرزی چه دروقت زعامت وجه حالا به صفت یک شهروندعادی، پراز تناقض، خدعه ونیرنگ بوده است، درحالیکه احمدزی هم بهتر نبوده وبعضا بسیار بدتراز وی عمل می کند.

آقایان کرزی واحمدزی، هردو قبیله پرست، قوم محور، حامی طالبان ودر خدمت پاکستان میباشند. هردو از وجهات ملی برخوردار نبی باشند، اکثریت مردم افغانستان بخاطرکارهای نادراست شان از آنها روگردان شده اند.

کرزی بیش ازصدنفرد مشاورداشت، که تقریبا به همه اقوام پشتون و غیر پشتون تعلق داشتند، ولی احمدزی اکثریت مشاوران بوژه حلقهٔ خرد مشاوران خودراازپشتونهای غلجایی تعیین کرده است، در حالیکه درانتهاهم ازنظر فرهنگ وهم ازنظر حکومنداری برغلجایی هابرتی دارند. احمدزی که به قبیلهٔ غلجایی تعلق دارد، در فرهنگ کوچیگری بزرگ شده است، که یک فرهنگ عقب مانده میباشد .

به اساس گزارش سایت گزارشنامهٔ افغانستان، یکی ازاختلافات شدید میان کرزی واحمدزی، موقوف سازی بما کرزی از یکی ازریاستهای عمومی دستگاه امنیت ملی میباشد. یما اطلاعات سری رابه کرزی میداد که از آنهادرفتشاریبر حکومت استفاده میکرد. برطرفی یما، آقایان کرزی واحمدزی رادربرابرم قرار داد، که با فحش و ناسزاگویی ها همراه بود، لهندا کرزی تصمیم گرفته که غنی احمدزی راجچه کند ! اینک برگردان گزارش خدمت تقدیم می شود :

حامد کرزی رئیس جمهورپیشین افغانستان، درمورد سه موضوع به صورت صریح سخن میگوید: اول، اوبخاطر دست آوردن وظیفهٔ سابق خود، درانتخابات سال ۲۰۱۹ داخل نمیشود. طی یک مصاحبه با گزارشگر روزنامهٔ نیویارک تایمز که اولین مصاحبه اش بعداز هفت سال باآن روزنامه بود، بروز یکشنبه ۱۴جون ۲۰۱۵ دربارهٔ آن در کابل بیان داشت: (نی، نی صاحب، نی، ابدا) ! دوم، درامور سیاسی یاحکومنداری افغانستان نقش فعالی بازی نمینماید، باوجودی که موحی ازهاخواهان بلندپایه بشمول مامورین حکومت آقای غنی، در روزمصاحبه به خانه اش آمده بودند . سوم، منیخواهد حکومت ایتلافی (متحد) غنی را انتقاد کند، باآنکه وی پس ازده ماه درقدرت، کابینهٔ خودرا اکمال نکرده است. (وقت من گذشته است، به من مناسب نمیباشد که نظرخودرا درمألام ابراز کنم. چهارده سال درقدرت بودم، اکنون میخواهم رهبران جواتر بادیده متفاوت کشور را رهبری بدارند.)

باآنها، اهمیت اجتماعی آقای کرزی درحالی رویه افزایش است که حکومت آقای غنی درتقلا بوده ودر بسیاری ازمسایل عمده موقف ضدنظریات کرزی را دنبال میکند. آن مسایل شامل اعطای اختیاربه قوماندانهای امریکادر حملات شبانه، حملات هوایی، همکاری نزدیک بامقامات نظامی پاکستان وبه حاشیه راندن کشورهای غربی میباشدند، که کرزی مشتاقانه به آنهاتوجه داشت. کرزی باتأکید طی یک مصاحبه بیان داشت که اگرچه وی مسایل را از نزدیک زیرنظر دارد وبیقینا دربارهٔ آن مسایل چیزهایی به گفتن دارد، ولی تلاش نمی نماید دوباره ادارهٔ حکومت را بدوش گیرد .

کرزی که پس ازسالها نکول، حاضر به مصاحبه شد، یک تغییر را در روش وی نشان میدهد. آخرین کار کرزی بحیث رئیس جمهور، اخراج آقای میتو روزنبرگ، گزارشگر روزنامهٔ نیویارک تایمز از افغانستان در تابستان گذشته بود، که گزارش داده بود شاید یک حکومت مؤقت باعمیق شدن بحران سیاسی، تشکیل شود. آقای غنی روزنبرگ را اجازه داد داخل افغانستان شود. روزشنبه ۱۳جون، سازمانی از جانب صاحبان رسانه های خبری واتحادیه تلویزیون و رادیوی افغانستان ایجادشد که آقای کرزی به ریاست افتخاری آن پذیرفته شد و برایش لقب (معمار آزادی بیان؛ اعطا گردید. وقتی کرزی حاضر به مصاحبه با گزارشگر روزنامهٔ نیویارک تایمز شد، یکی ازهمکارانش سؤال نمود که آیا لقب معمار آزادی بیان با اخراج روزنبرگ منافات ندارد؟ (دنباله در صفحهٔ ششم)

محمد طاها کوشان فریمونت - کالیفورنیا
عنقریب اپو زیسیونی می سازیم؟؟؟!

شمس تبریزی دو بیت از جانب حق راست گفت

عافل از کردار مست و جاهل از گفتار مست
امیدوارم جناب عبدالقادر زازی وطندوست پاسخ پرسشهای که در این مقاله طرح میگردد را برای ما بنویسند.

در برنامه یکشنبه ۲۱سرتان ۱۳۹۴هـش آقای عبدالقادر زازی وطندوست عضویارلمان همچون مار زخم خورده در برابر آقای آصف آشنا و گردانندگی ژورنالیست جوان و زیرک بما سیاهوش به اصطلاح درمیدان مرغ جنگی و... جنگی نشسته بود و گسو کرد.

آقای آصف آشنا ضمن شرح و بیان و غایه و مقصد از سفر جناب داکتر عبدالله به ولایات شمال و شمالشرقی گفت داکترعبدالله خواست تا منحیث رئیس اجرائیه حکومت وحدت ملی به این سفر مبادرت ورزد تا تناقض بین راپور وزرا درمجالس هفتگی و اصل حقیقت اوضاع درخط اول جهات جنگی وداخل قرارگاهها و کار کرد ومشکلات و نیز سیاس از سربازان و صاحبمنصان ارتش ملی و پلیس ملی این فرزندان باشهامت و شیر پاک خورده افغانستانی را از نزدیک ببیند وبشنود ویکار گیرد؛ تاز یکطرف سربازان و منصبداران ارتش و پلیس ملی احساس نمایند که رهبران امروز؛ دپروزی نیستند در کنار شان و شانه به شانه ی شان در هر کجا هستند و تنها محصور در چهار دیواری اطافهای قصر خود را از ترس مردم زندانی نمی سازد. و برای خواستهای تجهیز ی و مالی و اعاشه و اباته و احساس مسئولیت در برابر آنها میخواهد در برگشت به دفتر کارش راه های تسهیلاتی و امکانات هرچه بیشتر و بهتر کارآیی شان با دیگر وزرا و مشاورین در مجالس وزرا؛ و با اندخته های فزیکی سالهای جهاد و مقاومت مردم در برابر دیو سرخ و هیولای جاهل و نوکر دشمنان اسلام یعنی انگریز خونریز و چمچه اش آی اس آی؛ راجستجو نماید و برآورده سازد.

اماعبدالقادر جان زازی وطندوست چه عالمانه وحکیمانه میگوید: (مه باز به یک دید دیگه می بینم، دوست ما خفه نشه، سفرهای رئیس صیب اجرائیه به تحلیل مه از دو بورد که می بینم بورد اول از اینکه رئیس اجرائیه نه سر قومندان اعلی س و نه لوی درستیز کشور اس که بره مثلا عساکر ماره و اردوی ملی ماره از نزدیک ماینه بکنه قطعاتشه و نه ده مسلکش میقامه و واره مثلا بعضی گپای ره که داره برشان بزنه و بعضی امرهای ره که داره واکر امرهای هم داشته باشه شاید صلایتش نبوده باشه چون سر قومندان اعلی رئیس جمهور کشور اس ... مه باز پس تکرار میکنم که چند جنراله تقدیر کرده داکتر صیب عبدالله که ده ای سفر رفته چند سربازه تقدیر کرده و چی برشان داد؛ بخاطر هیچ چیز برشان داده نمی تانه چون صلایتشه نداره نه رتبه داده میتانه نه تقدیر کده میتانه نه پول داده میتانه؛ اگر ازجیب شخصی خود میکنه تآالی ما خبر نداریم و ای موضوع واضح مالوم اس، مه امی چیزیکه آشنا صایب میکه قناعت کردم مه میگم دمو پنجاه فیصد قناعت کو دگه هم خوده اپوزسیون نکو هم پنجاه فیصد. هم خوده اپوزسیون جور کدی هم در پنجاه فیصدی میری مه امی ره میگم تحلیل (؟؟) مه امی اس که ای میخایه هم اپوزسیون باشه هم پنجاه فیصد باشه مه میگم بیا که مالوم کنیم که ما اپوزسیونت هستیم تو دمو حکومت باش که ماو تو مالوم کنیم باز انشالله... دمی یک ماه دوما مالوم میشه ما یک اپزسیون قوی جور میکنیم... مامنتظر نمی مانیم انشالله بسیار بزودی اپوزسیون بسیار قوی می سازیم اینها که هالی استن یا اصلاح میشن یا پخیر میرن پخانای خود) ! درین قرن یست ویکم در هرمسأله که مایحت و گفتگو مینمائیم باید درهمان رشته کم از کم مبادی آنرا خوانده و فهمیده باشیم تانشود که کسی(ت) می گوید ومالاتیاق(بگویم و بالاخره ما خود راچنان نشان بدهیم که من هم دانشی دارم و حرف و گپی دارم؛ تا شنونده و بیننده و خواننده به دانش و فهم ما نخندد.

اول دراین بحث سفر یک شخص مسئول و آنهام نفر دوم مملکت؛ مورد به بحث گذاشته شد تا ارزش ها و تاثیرات و برداشت های از این سفر را بکاوند ونتیجه و تاثیر آنرا درین برهه از طوفان و بلاهای که اهرطرف به میهن ما میوزد و تباهی و بربادی و خون آتش و خاکسترارمغان میآورد؛ شرح داده وبه آگاهی مردم رسانده می شد.

اما جناب وکیل پارلمان به اصطلاح رئیس جمهور منتصب اشرب غنی احمد زی اوغه نبستان؛ مانند مار زخمی اصل گپ ره گذاشته و به چیز های چسبید که دوست من آقای کیانی در حین تماشای این برنامه بالای من دادد که او برادر ای آغا چه جفنگ میگوید؟ گفتم بحث میکند تحلیل میکند و ابراز نظر می نماید. دوستم گفت خاک برسرت او اصلا نمی داند که همسفر داکتر عبدالله چی را شرح میدهد و این دیوانه چه جواب میدهد.

بهر صورت مثلی داریم:

کاسه چینی که صدا میکند خود صفت خویش ادا میکند

حالا پرسشهای دارم از جناب وکیل صاحب:

اول- شما در باره مدیریت و اداره تا کجا آگاهی دارید؟

دوم -فرق بین مدیر و کارمند ماهر و متخصص چی هست؟

سوم -ازسیستم یا نظام و یا آراستگی چیزی میدانید؟ لطفا این بیت را برای خوانندگان ما شرح بفرمائید

از دل و دست تو باد کار فلک را نظام

وز کف دست تو باد ملک جهان را قرار

خاقانی

چهارم - آیا میدانید که مدیر دراداره خویش چرا بامتخصصین رشته های مختلف بهم پیوند؛ هر روز و هر هفته و همراه می نشینند و می شوند و میخواند و بعد چه میکند؟

پنجم - وبالاخره لطفا اپوزسیون و وجایب وظیفوی اعضای آن را برای ما شرح نمایید.

امیدوارم جناب شما که جوان بسیارخوش صحبت و تیز زبان و گردن فرازی هستید به این پرسشهایی که در ذهن من نادان خطور نموده هرچه زودتر پاسخ ارائه نمائید که اگر خواندم و دانستم من هم در کتاب شما خواهم بود. و با این غزل ناب حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی خوانندگان را به خدای نگهدارنده ی دانا می سپارم.

می گذشتم صبحدم بر عرصه بازار مست

عارضی دیدم دوان بر خانه خمار مست

عارفی دستم گرفت و خاتقاه شیخ برد

شیخ با سجاده دیدم خرقه و زناز مست

سر درون باغ کردم سربه سر بستان همه

باغ مست و زاغ مست و طوطی گلزارمست

می گذشتند کاروانان از کنار دجله ای

کاروان مست ساریان مست اشتران قطار مست

ذره ای از نور حق افتاد اندر کائئات

عرش مست و فرش مست و عرصه دوار مست

شمس تبریزی دو بیت از جانب حق راست گفت:

عافل از کردار مست و جاهل از گفتار مست /

۱۸جولای ۲۰۱۵

عبدالخالق بقایی پامیرزاد
سویدن
نجوای مادر : عیدآمد ولی ما نان نداریم
برای کی فرزندان راقربان کنیم؟ برای غنی احمدزی؟ نی ! نخیر ! این شخص درانتخابات تقلب کرد وبه مقام ریاست جمهوررسید. اینک بازهم از تقلب دست بردارنست. غنی به وحدت ملی خیانت کرد وسربازان وافسران سنگرهای داغ جلریز میدان وردک، بدخشان، قندز، فاریاب و سایر نقاط کشور را که درمعرض نابودی دشمن قرار گرفته بودند، باوجود تماسهای مکرر(توجه کنیده مصاحبهٔ محقق با آریانا نیوز چندروزقبل)، کمک نکرد. شیراحمد کریمی لوی درستیز(که معنی این واژه را یقینا پشتونهاهم نمیدانند!) نیزدوبار مرتکب خیانت شد، وحینی که از اودرمورد بدخشان وجلریز کمک خواستند، حاضر نشد جواب بگوید، این آدم قابل محاکمه و مجازات است.

ملت وجهان شاهد است که صدهائفر افسر وسرباز وپلیس ملی و محلی و سربازان امنیت ملی، درسنگرهای بالا قربانی بی مبالاتی ها و ندانم کاری ها شدند وجنگ به شدت ادامه دارد. میگویند طالبان برادران کرزی، درفاریاب ۷۰نفر نظامی را بشمول مردم پیگناه سر بریده اند. بچهٔ کرزی هفت ساله و پسر غنی در خارج کشوراند، اومی گوید جنگ راباجنگ پاسخ میدهد، بلی ! باقربانی کردن فرزندان مردم .

درحالیکه پیمان امنیتی باامریکا و پاکستان قبلاً به امضارسیده، هردو کشور به مسئولیتهای شان عمل نمی کنند وعملیهٔ صلح باتالبان یکجانبه ادامه دارد. غنی احمدزی توانایی آنرا ندارد تابرامریکافشار وارد کند که طبق پیمان امنیستی، طالبان و پاکستان رامجبورسازد تا اولتر آتش بس را عملی کنند وپسپ عملیه صلح ادامه یابد. پس این صلح احمقانه است، وسراسر به ضرر افغانستان اوزبابی میشود، ودر ادامهٔ خونریزی هادستهای ناپاک امریکایی هاوبا کستانی هاوشخص غنی احمدزی و کرزی شریک است.

ازسازمان ملل متحد تقاضاعمل می آید، همچنین از کشورهای بزرگ چون فدراتیف روسیه، چین، هند وغیره تا درنرسده درین پروسه سهم بگیرند و اولتر آتش بس را عملی سازند وپسپ مذاکرات صلح را ازسر بگیرند.

غنی احمدزی بحیث یک پدرمعنوی دلسوز باملت برخورد نمیکند، مشکلات راباتدبیر و تعقل حل نمی سازد، برعکس برمشکلات می افزاید، فوق قانون عمل میکند وصلاحیتهای قانونی داکترعبدالله را احترام نمی نماید، و زمینهٔ سقوط نظام رافراهم میسازد. بدیل این نظام گلبدین و پاکستان خواهندبود و افغانستان به جهنم سوزان مبدل خواهدشد . فلهدذا ازتخبگان افغانستان (اعضای برجستهٔ هر دو تیم و شخصیتهای بیطرف) واحزاب سیاسی، شورای ملی، شورایعالی قانون اساسی، جامعهٔ مدنی، جامعهٔ زنان، جامعهٔ حقوق دانان، پاسداران دمو کراسی، تمام نهادهای دمو کراتیک ملی وین المللی، روشنفکران نویسندگان وشعرا، واز مجاهدین ووطندوستان تقاضامیشود تاغنی احمدزی را ازراههای قانونی و مذاکره وتظاهرات مسالمت آمیز نگذارند بحیث یک دکتاتور عمل کند ویش ازین باعث تباهی ملت گردد. جای خجالت است افغانستان روزانه صدهائنفر کشته میدهد، ولی نه ملت افغانستان ونه جهان به این تراژدی کوچکترین توجه مبذول نمی دارند.

ازمجددی تقاضا میشود تابیکار دیگر به استخاره رجوع کند تامگر دستی از غیب برون آید و کاری بکند ! عالم ومتفکر درجه دوم جهان که درافغانستان تجربهٔ کاری ندارد، فعلا(انده) مانده است وبه کمک پیر و میر و چف و کف نیازمنداست !

واما دربارهٔ مکتب های خیالی : بنام مکتبهای خیالی، مطلبی رادرعمر خود ندیده ونشنیده ام، چه دلاورست دزدی که چراغ بدست دارد ! فاروق وردک وحامد کرزی روابط نهایت نزدیک و تنگاتنگ دارند.

پیش ازینکه وارد مطلب شوم، بالای هیئت تعیین شده ازجانب رئیس جمهور شک دارم، زیرا کسانی در ترکیب هیئت دیده میشوند که از باند کرزی اند و رئیس جمهور میخواهد به این ترتیب فاروق وردک را تبرئه نماید . ایکاش چنین نباشد ومنافع کشور پامال نگردد .

هیئت حقیقت یاب این مسایل رابه بررس بگیرد:
۱-فاروق وردک درطی ۱۳سال باکرزی کمکهای زیاد کرده وحتی خانهٔ ارگ رابرای کرزی او اعمار وتجهیز نموده است،
۲- کرزی برای فاروق چندین مدال وبخششی های ییحد وحصر را که به هیچ نورم وقانون برابر نمی آید، اعطاز کرده، مثلا مدال شاه امان الله، وزیراکبرخان وغیره این مسایل قابل بررسی است .
۳-فاروق مطبعهٔ معارف راتجهیز نکرد و مورداستفاده قرارنداد، همچنین مطابع داخلی راازنظر انداخت، کتب درسی مورد نیاز مکاتب رابه ملیونها جلد دربیرون کشوربه قیمت گراف چاپ وبه کشور انتقال داد. افزارفرادادی ها کمیشن گرفت وباشرکاء تقسیم کرد.
۴- کتابهای درسی باربارا ازنظر متن غلط چاپ شدند وقابل استفاده نبودند، معلوم نیست این نقیصه را که خیانت ملی گفته میشود، چگونه جبران و کتمان کرد، واژه های اصیل زبان فارسی را ازمتن کتابها حذف و به پشتو تبدیل نمود، ونیز یابدروشن گردد که فعلا در کدام ها چقدر کتب وجود دارد؟

ازهیئت حقیقت یاب تقاضا میشود تا همکاری ماموران مربوط را جلب نموده وبه کشف حقایق بپردازد، وخاینین ملی رابه مردم افغانستان معرفی کند. /

پروفیسرداکتر حیدر داور

حکامهٔ از دل خونین

چو تو پ بازی طفلانه گشته
وطن، این لعبت جانانه گشته
گدای بی سر و سامانه گشته
سراسر قصه و افسانه گشته
غلام و چاکر بیگانه گشته
تو گویی کودن ودیوانه گشته
شبان ملست فرزانه گشته
ملوک ثروت شاهانه گشته
که غرق ساغر و پیمانه گشته
مرید ساقی مستانه گشته
اسیر ظلمت مردانه گشته
که بس آواره وبیخانه گشته
که اکنون کدخدای خانه گشته
که فردوس وطن چون لاله گشته
دل محزون من پروانه گشته
وطن وبرانه گشته با نگشته
محیط اجنبی زولانه گشته

این حکامهٔ را که ازدل خونین من به خاطر ناهنجاری های وطن تراوش کرده، به رفیق شقیق وسخنور آقای محمدقوی کوشان با عرض حرمت فراوان اهداء می دارم .

حیدر داور، ۱۴جولای۲۰۱۵ آلمان



رساله کارنامه ده سله وزارت اطلاعات و فرهنگ و جوانان گردآورده: مرضیه حبيب

کهن جامهٔ خود پیراستن به که جامهٔ عاریت خواستن

قبل ازینکه راجع به رسالهٔ پرمحتوای (چهرهٔ ماندگار در تاریخ مطبوعات و فرهنگ افغانستان)، تألیف نو بسنده و پژوهشگر بانو مرضیه حباب، وبژهٔ کارنامه های شگوفان ودرخشان دوست فرزانه ونهایت عزیزم، جناب داکترسیدمخدوم رهبن، مطلبی بنویسم، به فحوای همین مصراع آغازین، وزیر مدبیری که توانست درمدت بیش ازیک دهه خدمات صادقانهٔ خودبجیت یک دولتمرد کاردان، عوض طلب(جامه) هاوفرآورده های عاریتی، به پیراستن کهن جامه های وطن درهمه امور بازسازی موزیم ها، آبدات تاریخی، اماکن ارشزمند وپرافتخار فراموش شده یا نیمه ویران، یادبود وارجگذاری فرهنگیان، علماء، نویسندگان وصوفیان واندیشمندان، بامساعی شباروزی مبادرت ورزید وهمت گمارید، همین وزیرسابق اطلاعات وفرهنگ افغانستان، داکتررهبن است. وزیری که درشناسنامهٔ فرهنگی وخدمات ماندگارمطوعانی او، بانو حباب در پشئی رساله اش این کتیبهٔ یادنامه راکه ازطرف فرهنگیان ومطبوعاتیان افغان در واشنگن، بشمول اعضای شورای عالی انجمن صلح ودمو کراسی برای افغانستان، به وی اهدا گردیده، بچاپ رسانیده است :



(به پاس خدمات جناب داکترسیدمخدوم رهبن درامر آزادی بیان و احیای فرهنگ، با تقدیم این لوحهٔ قدردانی، لقب [بنیانگذار مطبوعات آزاد درافغانستان نوین] ازسوی فرهنگیان ومطبوعاتیان افغان در واشنگن دی سی وحومهٔ آن اهدا میشود).... و درپشتی اخیررساله جملهٔ ذیل ازمتن سخنرانی داکتررهبن خطاب به خبرنگاران درج شده است:(برای اینکه اعتراض وانتقاد راتمرین کنید، من حاضرمن همیشه تخته مشق تان باشم، هرنوع اعتراض وانتقاد راروی من تمرین کنید...)

همچنین نویسندهٔ ژرفنگر بانو مرضیه حباب در آخرین صفحهٔ رسالهٔ مقبولش چنین نوشته است:(..خوانندگان گرامی! خواشتم فشردهٔ از کارکردهای وزارت اطلاعات وفرهنگ واین وزیردلسوز، دانا و صادق کشورم را که طی دهسال وزارتش ازهیچ نوع خدمتی درراه احیاء فرهنگ و آزادی بیان فرو گذاشت نکرده؛ به رؤیت اخبار و گزارشهای نشرشده درمطبوعات ملی وبین المللی وخطابه های وی به مناسبتهای مختلف، خدمت شماعزیزان تقدیم کنم . او درواقع بنیاد نهضتی را درعرصهٔ فرهنگ ومطبوعات و آزادی بیان باهمه ناتوانی مالی وتعداد کم همکاران مسلکی ودیگرموانع گذاشت، که درین دیار پیشینه نداشت. این نهضت ازستی ترین پدیده های زندگی مردم افغانستان، یعنی توجه به ختافه و تعالیم صوفیانه وطب سنتی، تا پدیده های مدرن امروزی چون کابی رایت، اعتقادبه حق دسترسی به اطلاعات، تقویهٔ جامعهٔ مدنی، حقوق بشر و حقوق زن را دربرمیگرفت . این ارزشها و کار دربابد گوناگون مایه میگردداز دورهٔ طولانی تحصیل، شناخت دقیق ازمردم، تجارب وسیع برخاسته ازدوازده سال خدمت درجهادمقدس مردم افغانستان وسفر به سنگرها، آگاهی ازعلوم و معارف اسلامی که درامان خانواده فرا گرفته بود، سابقه درسیات واداره و شناخت گذشته وتاریخ این سرزمین، تدریس دریوهتون ومعرفت بامظاهر تمدن غرب که اوبه مدد مطالعه وجنبدصباحی زندگی درآن خطه اندوخته بود. هرچند درچهارسال اول وزارت داکترسیدمخدوم رهبن، کار کردها در کنای تحت عنوان (درچهارسال چه کردیم) به دست نشرسیرده شد، بعدازینکه او ازسوی پارلمان رأی اعتماددریافت نکرد، چندماه که منحیت سرپرست باقی ماند، همچنان به شکل خستگی ناپذیری کار کرد و بعدازینکه وزیر جدید به وزارت گماشته شد، داکتررهبن سفیرافغانستان درکشورهند تعیین گردید، که کارنامهٔ خدماتش بیثت سفیر کبیردرهند فصل دیگرست که خارج ازموضوع ماست. بعداز گذشته سه سال، دوباره به سمت وزیراطلاعات وفرهنگ به پارلمان معرفی گردید وهمان اعضای پارلمانی که برایش رأی اعتماد نداده بودند، این بار باشناختی که از او حاصل کرده بودند، رأی اعتماد دادند.

روزیکه داکتررهبن با ایجادحکومت وحدت ملی همکاران راوداع میگفت، یکی ازرجالی که هم اکنون درحکومت نوحضوردارد ودر محفل تشریف داشت، ضمن برشمردن حوصله و پشتکارو ابتکارات ودانش وزیر، خطاب به حاضران گفت:(ما مثل داکتررهبن نه در گذشته وزیری داشتیم ونه درآینده خواهیم داشت،)

برای این شخصیت والای فرهنگی کشور، عمردراز وپربارتر از امروز خواهانم واین بیت ازشعریدرمرحوم میرعنایت الله حباب رابه عنوان حسن ختام آذین مینبدم : قرن ها باید که تا صاحبدلی پیداشود

مغتنم دانید مردی را که صاحب جوهراست (

بهرحال، شمهٔ اجزالات عام المنفعه وابتکارو مطبوعاتی جناب داکتررهبن در بخش پیش در آمد رساله چنین انعکاس یافته است :(رشد وبالندگی فرهنگ ومطبوعات یک کشور نیازبه پاسدار دانا، صادق وفداکاری دارد تا بتواند آنچه را که از گذشتگان باقی مانده و آنچه درراه است، باکمال امانت وصدافت به نسل های بعدی انتقال دهد.

در کشوری چون افغانستان، که نزدیک به سه دهه نابسامانی وغارت بیداد می کرد، درچنین شرایطی، حکومتی به میان آمد که نه سرمایهٔ مادی داشت ونه معنوی، همه دار وندار کشور راجنگ ویرانگر و غارتگران ازمیان برده بودند. با بوجودآمدن حکومت تازه، پس از آن همه شقاوت وبدیختی، درماه جدی سال ۱۳۸۰ ه . ش. داکترسید مخدوم رهبن که ازسابقهٔ درخشان فرهنگی برخوردار بود واز آوان جوانی درین راه خدمات ارزندهٔ را چه درزمان قبل از کودتای هفت ثور وجه درجریان جهاد ومقاومت انجام داده بود، بصفت وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان در کنفرانس بن تعیین گردید. زمانیکه او به این وزارت منصوب شد، شهرکابل ویرانه یی بیش نبود، در دفتروزیراطلاعات وفرهنگ هیچ چیزی وجودنداشت، نه برقی، نه آبی ونه فرش ونه چوکی ومیزی، والبته که نه موتری، ولی برای او که عاشقانه میخواست آرمانهای(دنباله در ص ششم)

پروفیسر داکترعبدالواسع لطیفی الکسندر به - ورجینیا صفحاتی از یک زندگی پر نشیب و فراز دروصلت وطن و درغریت هجرت (چهارم)

محبت نخستین : وقتی کلمهٔ محبت رامینویسم، عشق درذهنم تعبیر علیحده داشته، وشماهر طوری قضاوت کنید، این دو کلمه ممتاز و مروج تمام ابای بشر، در نزدبنده معانی متمایز ومشخصی خواهد داشت. شاید بسیار اتفاق افتاده که دربرابر عین شخص، هردونوع علاقه وتمایل، یعنی عشق ومحبت را احساس نمایم، ولی درشعائر من هیچگاه عشق جای محبت و محبت جای عشق را گرفته نتوانسته و اگر فرصت مساعدت کند ومن ازعشق نخستین حکایت نمایم، آن وقت خواهید دید که نحوهٔ احساسات وهیجانانم رابه شما طوردیگرو باکیفیت دیگر ترجمانی خواهم کرد. من به این شعرملکوتی مولینای بلخ عقیدهٔ راسخ دارم که :

علت عاشق ز علت ها جداست عشق اصطلاب اسرار خداست
خوب، حالا که از محبت نخستین من سخن بمیان آمده، اعتراف میکنم که این محبت رامن اولین بار دربرابر مادر عزیزم دریافتم و بادل و جان احساس کردم، مادری که باخون دل خود مدراحیات داخل رحمی(جنینی) پرورش داد، از جان عزیز خود بدنیآورد، بشیرخود تغذی کرد وبا آبلهٔ کف دست خود تربیت نمود، مادری که خود را گرسنه ماند تا من سیرشوم، جسم خود راختسته ساخت تا من راحت باشم، و از جوانی بسوی پیری وناتوانی رفت تا من جوان وتوانا شوم. البته مساعی وزحمات پدربزرگوارم نیز درین سیرنشو ونمای جسمی ومعنوی ام نقش حیاتی داشته است، مادرم روزها وشبها خیاطی می کرد واجورهٔ آنرا درراه رفع مایحتاج ما باهمدستی بایدر ماهه مصرف میرساند، زیرادر آن ایام معاش پدر عزیزم که تنهامنم عاید او بود، نسبتاً کم بود، ونمی توانست تمام مقتضیات دو خانواده را تکافو کند. لهذا مادرم از عاید خیاطی خود به اقتصاد ضعیف ماهانه کمک میکرد وبه این صورت هردومشتر کا نمی گذاشتند در تأمین ضروریات ومایحتاج اولیهٔ زندگی دچار محرومیت شوم.

بهرحال، محبت نخستین من در برابر همین مادر باشاهمت پدیدارشد، اوهرگز نمیگذاشت ازراه راستی که خودش تشخیص داده وپسندیده بود، منحرف شوم وباشبوهٔ دلپذیری کوشید تا مرا درراه راستی و شنخات واطاعت خداوندبزرگ وپاک وعادل سوق دهد، وازخیانت ومضرت و غیبت ومردم آزاری، که در نظراو گناهان ناخوشدنی بود دورنگهدارد. قصه هاوافسانه های او تأثیرات و انتباهات عمیقی در روحیاتم بجامیگذاشت ومدتهادراطراف رویدادهای آن فکر میکرد وبه پهلوانان خوب ونیک کردار، علاقمند ومتمایل شده و آرزو میکردم رفتار و کارنامه های آنها را پیروی کنم، ولی وقتی درساحهٔ عمل ناتوانی و نارسایی خودرأی دیدم، متأثر ودلگیر میشدم، وگاهی هم رشک میبرد م وبا ناخود آگاه به قهرمانان حسادت میورزیدم، این وقت بود که شعور اسفلیت وکم نگری در نهادم بیدار میشد و به محجوبیتم می افزود. در چنین مواقع، پدر ومادر آزمونده باندذهنیت و طرز تلقی کودک ربا توضیح وتحلیل مدبرانه، درمقایسهٔ رویداد های افسانوی و گزارشات واقعی، روشن ورهنمایی کنند وحدود توانایی وامکانات انسانی رادر دوره های حساس زندگی، برای کودک مشخص سازند. مادرم میکوشید افسانه ها یاقصه های را که باواقعیت نزدیک بود، برآیم نقل کند، ازجملهٔ افسانه های تکراری او، یکی هم سرگذشت دویسرهمبازی وهم سال بنام (نیکی ویدی) بود. درین گزارش جالب او رویدادهای زندگی روزمرهٔ یک پسرخوش اخلاق ونیک کردار ویک پسر بد اخلاق وبد کردار وپدرومادر آزار راشح میداد، بطوری که من نزدخود عهدمیکردم راه وروش زندگی و مراودات اجتماعی وخوانودگی پسر اولی، یعنی نیکی را درییش گیرم، ازرفتار ناپسند وناهنجاردومی پیریزم .بهرحال، محبت نخستین من دربرابر همین زن شریف وصابر ویردبار، بنای شگفتن گرفت وتامروز ریشه های آن بامیوه ها وثمرات بیشتر دربرابر انسانهای شریف ونیک کردار واقارب ودوستان وعزیزان واجرااتم در اجتماع، درهستی ام پابرجاست.

احساسات وعواطفم دربرابر طبیعت : هرقدرد عمرم پیشرفت میکرد و نخستین سالیهای کودکی راسپری میکردم، به مناظر وجلوه های بوقلمون وجذاب طبیعت بیشتر متمایل ومنهمک میشدم، زیبایی هاو آرامش آنرادوست داشتم، و مناظر رقت انگیز آن معنومم میساخت. درشهای منزوی وهنگام تاریکی و تنهایی، نیازمند دستگیری و همراهی دیگران میشدم، بامواجه شدن به تاریکی شب درداخل یا خارج منزل، ترس عجیبی دامنگیرم میشد وخیال میردم یک دست نامرئی یایک هیولا برمن حمله ورخواهدشد. راستی وقتی فکر میکنم که چرا یک انسان تنها ومنزوی هنگام تاریکی یا دردل شب احساس ترس ووسوسه میکند، ونیازمند یک همراه ویک صدای آشنا یایک منبع نور مییاشد. اسباب مختلفی درذهنم خطور میکند، گاهی فکر میکنم شایدسبب اصلی آن، میراث فطری همان ترس و واهمهٔ باشد که از انسانهای اولیه وقبل از تاریخ، هنگامیکه در تجرد و بی وسیلگی درمغاره ها وجنگلات زندگی میکردند، برای ماباقی مانده است. از آن ایامی که انسان بدون پیشینی بطورغیر مترقب دستخوش حوادث ناگهانی طبیعت وحملهٔ جانوران و آدخجوران و زورمندان بود...سبب دیگراین ترس شایدهمین باشد که دراجتماعات متمدن امروزی نیزاکثر جنایات ومزدیها وحوادث ناگوار وحملات بد کاران درهنگام شب ودر تاریکی اتفاق می افتد.

همچنان مطالعهٔ رومانهای پرماجرا وشیدن قصه هاوافسانه های ترس آور و امثال آن دربروز ترس وواهمهٔ انسان، خاصتاگودکان در تاریکی میافزاید. امروز زدودن چنین ترس ازذهنیت کودکان از نقطهٔ نظر تربیت اجتماعی خیلی مهم به حساب میرود، زیرا باموجودیت ویشرفت، این ترس از تاریکی وتنهایی، فعالیت های اجتماعی واجرات فردی وتصمیم گیری انسان شدیدا صدمه می یابد .

تایادم می آید من درطفولیت هنگام تنهایی وتاریکی، احساس ترس میکردم وازمواجه شدن باآن هراس داشتم، اما روشنایی وزیبایی های طبیعت در پرتو انوارحیات بخش روز، مرامجنوب ساخته و یک سلسله عواطف واحساسات لطیف را درهستی ام پدیدارمینمود، گرچه از رعذبوقر میترسیم، ولی ریزش برق وباران ومشاهدهٔ ابر های پراکنده وقوس قزح رادوست داشتم، فریفتهٔ شکوفه های عطر ییز درختان اکاسی حوبلی منزل ما بودم، و چهچهٔ دلنشین وپرواز سرورانگیز پرستوها درپهار، دل وجانم رابه وجد وهیجان میآورد. یادام است وقتی درروزهای فرخندهٔ بهار بااعضای خانواده درامنهٔ کوه (بابه شاپر) یاآسمایی، که نزدیک کوچهٔ انصاری بود، برای هواخوری وخوردن کشمش پنیرو کاهو وگست و گزارمیرفتیم، دورنمای شهرزیباو آسمان آبی کابل ومشاهدهٔ قلل دوردست ومزارع وباغها وبانچه هایی که درزیر نورباصفاي آفتاب بهاری جلوه نمایی میکرد، مرا از آن بلندی هاخود مجذوب میساخت، وازین مناظر روشن وبرآرامش، الهامات پر کیف میگرفتم ودرهمین لحظات بود که عبار کدورت و اندوه ونامالایمات حیات روزمره وبیدنی هاو بد اندیشی ها کاملاً از نهادم دورشده، وخصایل نیک وعالی انسانی رادر دل ودماغ خود، نسبت به هرخاصیت دیگر، بیشتر و متناز می یافتم .

امروزدر دیارغربت وقتی هموطن عزیزِی، ازهجوم افسردگی (استرس) و دقیت و زجرهای روحی شکایت میکند، نظربه اساسات طبی وتجارب زندگی، اولین مشوره وتوصیه ام برایش همین است که تاحدثوان درهوی آزاد قدم بزند، زیرشعاع آفتاب و درروشنی های طبیعت روانهٔ پارکها (دنباله درصفحهٔ۷)

سید آقا هنری هامبورگ - آلمان
آیا داوودخان وطن ما رادوست داشت ؟
دنباله از گذشته : داوود خان درسال۱۹۵۹ درسویس تحت معالجات دیسک جابجاشده قرارداداشت، در ۱۹۶۰ در شهر وین تحت معالجه قرارگرفت که تنظیم نبودن ستون فقرات وروماتیسم را تشخیص کردند، دراپریل ۱۹۶۰از وین به روسیه درشهرسوخی جهت استراحت ومعالجات قرارمی گیرد ودرفبرور ۱۹۶۱ تحت عملیات جراحی دیسک قرارگرفت، درجون ۱۹۶۱ درانگلستان مقامات اتجادربارهٔ صحت بدنی وهوشیاری مغزی وی نظردادند و در ماه حوت ۱۹۶۸ برای دوهفته درخانه اش به علت نامعلومی زندانی شد، ناظرین مختلف درمورد سلامتی وی شک برده اند وفامیل سلطنتی وی رادیوانه گفته بودند، که در وحشت باوی زندگی می کنند. یک مقام باکستانی گفته که وی درشرووی به عمل جراحی مغزی قرارگرفته ودیوانهٔ مطلق مییاشد، این روزنامه نگار وی را همیشه کسل وخمود خوانده است، همین کتاب میگوید داوود با تعبیرلباس د کانها راتفتیش میکرد، یکبار ناوایی را که وزن نااش کم بود در تنورا انداخت، وباری هم گوش قصایی را دردیوارمیخکوب کرد.)

این چه قدرت است که درمدت کوتاهی ویرابه صدارت میرساند؟ اولین مکتوبی که داوود امضامیکند مقررری حسن شرق بیجت رئیس دفترش مییاشد، همان قسمبکه روسها شاه محمد دوست را رئیس دفتر میوندوال میتراشند، اودر وقت ریاست جمهوری کارمل وزیرخارجه مقررمیشود، و گنترگیوم جاسوس را بچه خواندهٔ ویلی برانت صدراعظم المان می سازند.

شاه رضای پهلوی پدررضاشاه، به جرم جاسوسی برای روس پدر حسن شرق رادرتهران زنده بگور کرد. وی دستوری ازطرف حکومت روس بعدخروج عساکرشان به تهران ماند، این واقعه را فرانسوی کشف و کنای نوشت بعدا این کتاب به زبان انگریزی ترجمه شد، که بدست حکومت ایران افتاد ویکصد نفر جاسوس، روس گیر آمدند، که یکی ازسران شان پدرشرق بود، حسن شرق، دران زمان ۶ ساله مییاشد، اتفاقا تاجری متوجه تیزهوشی اش می شود ویرا با خود به اتاردۀ فراه می آورد وشامل مکتب میکند، سالانهٔ تعدادی ازشاگردان به وزارت دفاع معرفی می شدند که وی بدین ترتیب شامل مکتب بیطاری مربوط وزارت دفاع میشود وازهم صنفان خود خبرچینی میکند، اغلب گمان درهمین وقت باداوود آشنا یامعرفی میشود، داکترحق شناس مینویسد(روسها ازهمان زمان طفلی اش ویرا زیرنظر داشتند). نامبرده برای امریکا وبالخاصه برای روس جاسوسی میکرد، ازهمان اول حکومت داوود دردوره صدارت ومقام جمهوری اش یک لحظه هم ازوی دورنیود. این بیطارچنان وطن فروشی میکرد، که داوود نمی فهمیدیا نمی خواست بفهمد.

حسن شرق درسرک سنگی کارتهٔ ۴ خانهٔ داشت که به روسها کرایه داده بود. درسالهای ۱۹۶۲ الی ۳۵ م نویسنده، دروزارت زراعت مامور فی بودم از منزل ما دهمزنگ الی سرک سنگی کارتهٔ ۴ قدم زنان می امدم، هرصبح روسی راباتی نیمه عریان درعقب اورسی این خانه میدیدم که کالی کشان می ایستاد یا جمناسیتیک میکرد. کمی دورتر از آنجابه سرویس وزارت بالامیشدم، داکتر حقشناس مینویسد (کرایهٔ این خانه معمولاً سه الی چهارهزارافغانی بود، روس ها ماهانه برای شرق ۳۰هزارافغانی می پرداختند.) وبه قول فایق، داوود خان ماهانه ۸هزارافغانی برایش کمک میکرد.

طبیعی میگوید نوراحمداعتمادی وداوود درسیاست خارجی همنظر بودند، وهم اعتمادی درمادهٔ ۲۴ قانون اساسی که مخصوصا به ضد داوودخان بود، پافشاری میکرد حذف شود، که نشد. فایق در ص ۲۶ کتاب خود می نویسد اعتمادی ازحزب پرچم حمایت وبشیبانی می کرد ودیگرجراید همه توقیف شد، اماجریدهٔ پرچم به نشرات خود ادامه میداد، یکی اززندیکان اعتمادی ازوی پرسیده بودیا میوندوال چه ضدیت داری؟ گفته بود دگر نامش رایاد نکن . دروقت حکومت حفیظ الله امین روسهابالای وی نسبت به قتل رساندن تره کی وقتل عام مردم ماتخمشگین وازوی پرسیده بودند، چرا اینقدرمردم را می کسی؟ درجواب گفته بود من ازاستالین پیروی میکنم، امین درمحفل خصوصی برای من قماشان خود گفته بود، امرقتل بود، اهرازاشخاص راداده ام. روسهامیخواستند اعتمادی را که درپاکستان سفیربود، باوی تعویض کنند، امین خبرمیشود، و اعتمادی راهم اعدام میکند. لینن میگو یدهرگاه میخواهیدحکومت کنید، از پست ترین طبقهٔ مردم کاریگیرید.

عارف خان وزیردفاع، داوود را اززندیکی باروس ها برحذرمیسازد، داوود خان چندی بعد ویرا با عده وطن دوستان وهم کارانش رابه نام کودتا درمحبس می اندازد. بعدا عبدالرحیم زی مشهوربه ملک خان وزیرمالیه رابا عدهٔ زیادی ازبی گناهان به جرم کودتا روانه محبس کرد، برای اینکه ملک خان درمقابل نعیم خان درجلسهٔ کابینه از عزت وشرف خود دفاع می کرد. نعیم خان وی را پدرل ... گفت، که وی به همان الفاظ جواب داد. داوود گفته بود به چه کابینهٔ دارم که پدرم رادرحضورم لعنت میکند. دربارهٔ تغییراتی که درپلان ۵ ساله می امد ملک خان برای نعیم خان گفته بود، چرت اندازگپ نگو، عبدالرحیم زی تعلیمیفاتهٔ اقتصاددررشتهٔ اکمالات نظامی از ترکیه بود. تامرگ داوود به زندان دهمزنگ ماند، گرچه چند حکومت نوی که امد امرهائی اش صادرشد، نامبرده میگفت باید داوودخان یکجابهامن محاکمه شود. که ثابت شود کی گناهکاراست.

همین قسم صبغت الله مجددی که به ضد الحادو کمونیسم جهد می ورزید در ۱۹۵۵ به جرم اینکه نکبتا خروشف را ترورمیکند باعدهٔ مردمان بی گناه در زندان انداخت اما در ۱۹۵۹ درمصر تبعید شد.

مرحوم داکترعبدالرؤف حیدرداماد شاه امان الله وزیراقتصاد درحکومت داوود دراپریل ۱۹۹۲ درشهرهامبورگ برایم گفت، من برای داوود خان گفتم توازافصاد مثلی یک طفل چیزی نمی فهمی، نامبرده دکتورای خودرادررشتهٔ اقتصاد ازالمان بدست آورده بود.

ادعای داوودخان که گفته است به امریکا رو آوردم مایوس برگشتم درست نیست قبلا حکومت شاه محمودخان کمک های مالی زیادی بدست آورده بود که قرضهٔ یک صدملیون دالری که قسمت زیاد ان بلاعوض بود نمونهٔ ان است. ساخت بند کجکی، نهریغرا، پروژهٔ وادی هیرمند، بند ارغنداب، شاهراهی چمن قندهار؛ قندهار کابل، تورخم کابل؛ نمونه های ان است.

درسال ۱۹۵۵آنکسن ازوطن مادیدار کردنسیب اینکه حکومت مایی طرفی اختیار کرده بود، ایران وباکسان در پکت ستنبو دند زیادعلاقه نه گرفت، اما کمک های بشری ومالی آنان درسال ۱۹۵۵بالغ به ۵۳۳ میلیون دالردیدشد.(کتاب سراج ص ۳۶) وهم حقیقت این است که داوودخان وطن دوست داشتنی مارا فدای هوس و ارمان خود دا پشتونستان زمونژ کرد. اگر مردمان پخته کارو وطندوست مارا دست باز می داد که قناعت امریکارا حاصل کرد، حتما نظربه موقعیت استراتژییک وطن ما کمک های زیادتری نصیب می شدیم. چنانچه درایام سفارت شهید راه وطن میوندوال درامریکا کمکهای شان زیادتز از حد معمول بود، وی با کندی ولندن جانسن یک دگراا مثل رفیق لندن، جان وهاشم؛ می گفتند .

چوبشوی سخن اهل دل مگو که خطاست سخن شناس نه ای جان من
حافظ (دنباله درصفحهٔ ششم)
خطا این جاست

پیام‌های تبریک هزارمین شمارهٔ امید

نامهٔ سرکشوده به مدیر مسئول
شکران بی پایان که خداوند لایزال (ج) جامعهٔ ما را در سرای هجرت و غربت افتخار آن بخشیده است که هفته نامهٔ امید، این بازتابگر اندیشه و دانش خبرگاه مین، و جایگهٔ درد دلگویی مردم ما درمرز های دور ازوطن، هزاربار نشر گردید.

بخاطر دارم که مدیرمسئول آن ینابانه انتظار آن روزی رامی کشید که اگر باشد هزارمین نسخهٔ هفته نامه رانشر کند، وبه فرمودهٔ مولانای بلخ، خود را ازال وقیل آن فارغ سازد. هر باری که باین رادرمدر وطن، این مبارز نستوه، صحبت کرده ام، بعدازندک کلماتی، ناخود آگاه از زبانش برمی آمد که فقط هزارمین نسخهٔ هفته نامه رانشر کنم و دیگر بس است . من باخود میگفتم لابد خسته شده است، چه کارپر زحمت ووظیفهٔ سنگینی است. مطلب تهیه کن، بانویسنده درتماس شو، حرف حرف مطالبی را که دیگران نوشته اند به دقت بخوانی، اصلاح کنی، بازبانویسنده تماس بگیری که مگرمطلب آنچه نوشته، همانست وباجیز دیگری ! باید چندین بار زنگ زد تا حل مطلب شود. اخباری جمع کن که تازه باشد و دلچسپ. قد وقامت هفته نامه را طرح و ترتیب کن وبه چاپخانه ببر، باز حرف حرف آنرا انظر بگذران که اشتباه وخطای نوشتاری کمتری داشته باشد ! سرانجام هفته نامه چاپ میشود، چوه هفته نامه توان داشتن دلتر خاص خود را ندارد، آنرا باید به خانه آورد، فضای خانه را که جای آرامش است، به محل کار تبدیل کن وبه همسر وفرزندان زاری کن که کمکت کنند، هفته نامه باید یکایک باسلیقهٔ خاص قات گردد ودربا کنها انداخته شود، آدرس مشترکان در زمان موعودش برسد . این کار یکبار نه، دوبار وسه بار وده بار نه، صدبارهم نه، بلکه یکهزار بار تکرار شده ویش ازیست وچهارسال را دربر گرفته است پس ازینهمه تپ وتلاش ها، هفته نامه به مامیرسد وبیخبر ازینکه در تپهٔ آن چه رنج هاوچه دردها کشیده شده است، آنرا میگیریم، تکیه به پشت زده، با راحت وآرامش وگاهی بابیالهٔ جای ودشلمه، که به به راحت وآرامش می افزاید، آنرا باز میکنیم ومیخوانیم، از آن می آموزیم وازخوبی هاوبدی ها آگاه میشویم . ولی جناب محمدمقوی کوشان در تپ وتلاش است تاشکالات را دفع کند هفته نامه رابرای ما تهیه کندو دروقت موعود آن برای ما برساند! ازین هم دردناکتر و مشکندر که کوته نظران وفرهنگ ستیزانی اند که عناد میورزند و هرچی که در اختیار دارند از زر وزور به مصرف میرسانند تاگرباشد که هفته نامه را محو سازند، باحد اقل دربرابر نشر آن سنگ اندازی کنند، این زورگویان تنگ نظر مگر نخوانده اند که :

جراحی را که ایزد برفرورد هر آنکس یف کند ریشش بسوزد! راستی فراموشم شد تذکار دهم که وقتی دوسال پیش هفته نامهٔ امید برای مدتها برابم نرسید، از وقت موعودش گذشت، من بيقرارشده بودم، سرانجام آگاه شدم که مدیرمسئول سخت مریض شده ودر بستر بیماری است. دلم سخت ملول شد، برایش تلفون کردم، از شفاخانه برگشته ودرایام نقاهت بسر می برد، گفت بلی سخت مریض شدم ودرحالت کوما رفته بودم وبه سروچشم حضرت عزرائیل را دیدم که آمده بود، برای گفتم: (عزرائیل صاحب، این دفعه مرا غرض نکیر ، بگذار که هزارمین نسخهٔ امید را که برای خوانندگان آن وعده داده ام، نشر کنم، باز من وشما باهم دیدارخواهیم داشت) ! وسپاس بی پایان خداوندعز وجل را که ایشان راصحت بخشید وبه کار خود دوباره ادامه داد .

مشکل دیگر، تأمین هزینهٔ مصرفی چاپ وبه سته امیداست، که مدت زیادی نگرانی بار آورده بود، والله الحمد که فرهنگ دوستان و خبرگان دست بدست هم دادند، وگوشهٔ از بارسنگین آنرابدوش گرفتند، که معاندین هفته نامه را مایوس ساختند وبه ضیق النفس و تنگی نظرشان افزودند، وهرباری که هفته نامه را پر بار تر وبربهار می بینند، درآتش حسرت میسوزند ومأیوستر میشوند، ودرمغازه ها شماره های امید را زیر نشرات دیگر و نخود ولویا وبیاز خشک پنهان می کنند، که هرروزه ازسوی عاشقان امید، همهٔ آنچه را دشمنان روی آن گذاشته اند، به جایش میگذارند !

اما باید به دوستداران امید تذکار بدهم که دستگیرهای چندتن از ما کافی نیست، و درهرشماره، تاجایی که میدانم، گاه ازهزینهٔ چاپ پسمان میشویم وگاه از تأمین هزینهٔ پوسته وباکت وتیل موتر و کاغذ قیمتی چاپ آدرسهاو رنگ پرتتر و دهها مصرف دیگر. خوب است بااحساس مسئولیت دربرابر حفظ فرهنگ متعالی خویش، برای روش سازی هرچه بیشتر ابهامات و زدودن دروغ هایی که بردامن تاریخ واقعی کشورعزیزما ازدوصدسال به انبظر جاجوش کرده، وبالاخره برای زنده نگهداشتن چراغ امید همهٔ ما دراین گوشهٔ دور گیتی، هر کدام به اندازهٔ توان وهمت خود، هر آنی که ممکن باشد، اعانه و مدد و کمکي به این نشریهٔ خدمتگار مین باستانی خویش بفرستیم .

مبارز نستوه وقلم بدست ییکارگر، آقای محمدمقوی کوشان ! تو که اینهمه مشکلات رامی کشی و تو که هفته نامهٔ امید را افتخارفرهنگی مین ومهم میهنانت در دیار دورازطن ساخته ای، تو که زمینهٔ نشر و پخش اندیشه های پربهای دانشمندان ارجمند کشور را در دیار هجرت مساعداستخته ای، تو که روشنگری می نمایی، دانش، فرهنگ ومعرفت به ماعرضه میداری، تو که درراه آرامش وطن و آسودگی هموطنان درگیر ظلم وجفاکاری، ییکار می کنی، اعتماد خالص ومحکم به آن دارم که فرهنگ دوستان وخبرگان ما در پهلوی تو هستند تا ترادر کارت یاری نمایند.

خداوندمتعال (ج) را شکر گزارم که دوستان امید درین امرنیک همه یکجا به یاری شتافته اند وامید آن میرو د که باگذشت هرروز به تعداد شان افزود شود. به یاری خداوندمهربان (ج) وهمدستی همه فرهنگیان درهجرت نستسته، هفته نامهٔ امید انشاءالله به نشراتش ادامه میدهد، نشر میشود و ماشاءالله هزار بار دیگر نشر می شود. فراموش نباید کرد که همیاری به وقت موعود صورت گیرد، و الله بزرگ (ج) که دست همکاری را ستوده، فیض وبرکت را نصیبش میسازد. ومن الله التوفیق،
اتجنیرعبدالصبور فروزان، نیوجرسی./

برادر گرامی آقای محمد قوی کوشان
بادرود فراوان عید سعید فطر را از صمیم قلب تبریک گفته وطاعات وعبادات تانرا قبول ومقبول در گاه الهی استدعا دارم .همچنان نشر هزارمین شماره هفته نامه وزین (امید) راقلبا تبریک گفته واز خداوند منان استدعا دارم تا سالهای زیادی باصحت کامل به این خدمات ملی وفرهنگی تان ادامه بدهید. ومن الله توفیق ، برادر تان داکتر حیدری، سدنی، آسترالیا/
هزارمین شمارهٔ امید از چاپ برآمد

۲۱ سرطان (تیر) ۱۳۹۴ بادداشت خراسان زمین: چاپ هزارمین شمارهٔ هفته نامهٔ (امید) را به بزرگوار گرامی جناب محمدمقوی کوشان، و دیگر دست اندر کاران جریدفامیلا صمیمانه خجسته باد میگویم. زحماتی را که شما یان برای بیان حقیقت در این بیست و اندی سال متحمل شده اید بر هیچ فرزند راستین خاک خراسان پوشیده نیست. درپناه پروردگار باشید./

به امید هزارشمارهٔ دیگر
هزار سال گذشت از حکایه ای مجنون هنوزمردم صحرا نشینند. خدایا که این مرد ۱درویش دوست که آسایش خلق درضلع اوست

بسی برسرخلق پاینده دار
به توفیق وطاعت دلش زنده دار
سعدی
هستند جوانمردانی که اگر کوهی زربه پای شان بریزند، ذرهٔ خیانت به مادر وطن نکنند. بخاطر دارم که سالها قبل، همایون جریر، داماد گلبدین سفری فوق العادهٔ به امریکا کرد، تا دامن دامن زر به پای همین جوانمرد بریزد، اما او به هیچش تخربد وهمان راهی که داشت تندترپیش بردو زرآرنده رازز کردارش سخت بشیمان ساخت، باینکه اشدضرورت به کمک مالی داشت ووضع مالی اش بهمه هویداست.

هزارخم نکند مست می پرستان را
چنانچه ذرهٔ خاکی وطن پرستان را پژواک
تقریبا درهمان آوان اول فکرمیکنم یکشنبه یاروزی رخصتی بود که ساعت ۳روزوقت هامبورگ تلفونی آمد وعقب آن گرامی قدرمحمدقوی کوشان فرزند ارشد برومند مردمبارزغلام حضرت کوشان سابق رئیس نشرات رادیو تلویزیون افغانستان بود، بعد احوالیرسی گفتند خواهش دارم که نمایندگی جریدهٔ امید را درشهر هامبورگ بگیری ید، گفتیم اگر از عهده اش برابم چرانی، گفتند من مطمئنم که می توانی.

دگران بار امانت نه توانست کشید
قرعهٔ فال به نام من دیوانه زدند
حافظ
آنزمان درشهر هامبورگ هر هفته ۴۰۰ شمارهٔ امید ما به فروش میرسید، گاه گاهی کمبود هم میشد، باری نبشتهٔ دیدم از یکی وزرای طالبی درشهرهامبورگ، وواقعیتی را برملا کردم که وطنداران ما شاهد بودند ۴۰۰ شماره درطرف چند ساعت به فروش رسید، بدفترجریدهٔ وزین امیدتلفون کشیدم ۵۰ شمارهٔ دگر خواستم وآتمم فروش شد ۳۰ شمارهٔ دگرسید که تا اندازهٔ عطش مارفع شد. بلی این رانیز بخاطر دارم که شهید میوندوال درانتخابات دورهٔ ۱۳ وکالت در پارلمان به اثر هدایت نوراحمد اعتمادی باید درمقابل سماوارچی ناکام مینامد، وی درجریدهٔ مساوات ازقوای هوائی تشکر کرد که درضد انتخاباتش عملی انجام ندادند وهم اعتمادی صدراعظم دریارلمان که بیانیهٔ بی سرو پایی داد، شهید میوندوال جوابش را چنین گفت: من ورفقایم بسیاری ازجملات آقای اعتمادی را هرچند تحلیل کردیم چیزی نفهمیدیم، المعنی فی بطن شاعر. این جوابیه هم ۳ بار تجدید چاپ شد ووطنداران ما حتی یک شمارهٔ آنرا به ۱۵۰ افغانی خریدند. بلی هزارشمارهٔ امید برابم هزارساله اندرز داد واین فقط شهادت نویسندگان چیزفهم، بادرده، وطندوست وخداپرست ومدیرمدبر، مجاهد وفرزندی فدا کاری که جزرضای حق تعالی (ج) وخاطر وطندوستان چیزی دگری نخواست . به امیدی که هزار شمارهٔ دگرچشم هاراووش کند واین بندهٔ الله الی رفتن بسوی جنان درخدمتی صادفانه باشم. باعرض حرمت سید آقا هنری

۱. شاه ۲. آسمان
برادر دانشمند وشجاع محمدمقوی کوشان!
عیدسعیدرمضان و چاپ هزارمین شمارهٔ امید رابه جناب شما، خانواده و همکاران گرامی وهمهٔ مردم شریف افغانستان، از تۀ دل مبارکباد میگویم . افتخار دارم درشمارهٔ (هزارم) نوشتهٔ ناچیزم را به چاپ سپرده اید. شما درطول سالهای متمادی راه پدر مرحوم و نیاکان غیور راییموده اید وبا همت بلند، کاخ امید رابلند وبرغورورنگهداشته اید. شما وپدر مبارز ودانشمند شما، شادروان غلام حضرت کوشان، از آزادی، آزادگی، دموکراسی، حقوق بشر وعدالت اجتماعی در کشورمظلوم وهردم شهید ما، دفاع جانبازانه نموده اید. (امید) هزاران خواننده و علاقمند درسراسرجهان دارد، ونسل موجود وآینده راه شمارا بدون ترس گرامی میدارند، ونمی گذارند کشور آفتاب به دشمنان غروب کند.

آیندهٔ افغانستان بدست امریکا، انگلیس، اسرائیل و میراثخوران استعمار بسیار تاریک ومأیوس کننده پیش بینی میشود. امیدوارم مردم ما از پامیر تاخیبیر، بسیج شوند ودربرابر مهاجمان ومزدوران حلقه بگوش غرب، ازسرزمین آبایی ما دفاع نمایند.

نشر امید را ادامه دهید، خدا(ج) ومردم دریهلوی شماس، صحتمند وموفق باشید.

درپایان چند پارچه شعر کوتاه را نثارمردم نجیب ومحروم وگرسنه، برهنه و بی سرپناه خود می نمایم :

ازاستاد خلیل الله خلیلی :
عید(۱) آمد و طفلکاتم اشب
درسفرهٔ خویش نان ندارند
کس نیست که رویشان بیوسد
چون مادر مهربان نلارند
ازشهید قهارعاصی خطاب به دشمنان ومزدوران اجنبی که کابل و شهرها و آبادی های ما را ویران کرده ودار وندارما را به بغنابردند :
دورخ چقدر بلند باید سوزد
تا تشبیه کوچکی ز کابل بدهد
وقتی است که گلبدین ازچار آسیاب کابل راویران کرد وهزاران تن را کشت.

به مالا هایی که درخدمت آی اس آی قرار گرفتند وجادی پویشدند وعزت و غرور انسانیت، اسلامیت وافغانیسانیت رابردار دادند. خداود درروز محشر از نزد شان حساب خواهد گرفت وان شاءالله در دوزخ ابدی خواهندسوخت .

ازحضرت مولینا خداوندگار بلخ :
ای دل تو دمی مطیع سیحان نشدی
وز کار بدت هیچ بشیمان نشدی
ملا و فقیه و زاهد و دانشمند
این جمله شدی ولی مسلمان نشدی
سخن عربان: عقل ملامعرا از عقل غنی احمدزی سالمتر به نظر میرسد، ملا گفت : جنگ ومذاکرهٔ ماشروع است، مگر احمدزی باید خجالت بکشد که در جنگ فرزندان مردم را قربان میکند، اول باید آتش بس میکرد وبعد به میز مذاکره میرفت.

(*) کلمهٔ(شام) به کلمهٔ (عید) عوض شده، بخشش میخوام.
عبدالخالق بقای پامیرزاد، سویدن ./

طرح گلبدینی ها برای ترور شخصیت های مهم جهادی به غنی احمدزی تقدیم شده و او از حنیف اتمر خواسته تا بران غور نماید

سایت خبری Nunn. Asiaمطلبی را بقلم رشتیپال، به نشر رسانیده که نشان میدهد تیم استخباراتی اشرف غنی در تلاش است علیه رهبران مجاهدین توطیه های جدیدی راه اندازی کنند . بنابر نوشته رشتیپال دوتن ازدستیاران کلیدی اشرف غنی به اسمهای طارق و جعفر که از اعضای حزب گلبدین اند، طرحی را به اشرف غنی اراهه داشته اند که درآن بر ترورشخصیتهای مهم از جمله داکتر عبدالله، عطا محمد نور، محمد محقق وسایر فرماندهان بلند پایه و تاثیر گذار تاجیکان و هزاره ها تأکید شده است .

برنامه آنهاشامل حمله انتحاری، بمب گذاری کنارجاده ها، حمله گروهی دسته جمعی و حتی جابجاساختن موادمنفجره درهواپیما های که احتمالا این افراداز آن استفاده خواهند کرد استفاده مینمایند. در این طرح آمده که یک گروه ۳۰۰ نفری با آموزشهای ویژه آماده کنند تادر ترور

زین العابدین عثمانی

معارف وفرهنگ افغانستان در آغاز قرن ۲۰ بیت العلوم مبارکه حبیبیه

بارزش ترین کاری که دردورهٔ امیرحبیب الله خان سراج انجام شد، گذاشتن تهداب معارف جدیددرافغانستان بود. تحسین لیسهٔ کشور بنام (بیت العلوم مبارکهٔ معارف حبیبیه) درسال ۱۹۰۳ مطابق ۱۲۸۲خورشیدی، به سبک ونمونهٔ کالج علیگره در کابل تأسیس شد. این لیسه سه دوره داشت ومدت تحصیل همهٔ شان در ابتدا هشت سال بود وبعدا به ده سال ارتقا یافت.

۱- دورهٔ صباهیه (ابتداییه)، که مدت تحصیل در آن چهارسال بود، و درختم دوره، شهادتنامه داده میشد. مضامینی که درین سو به تدریس میگردد، عبارت بودند از قرآنکریم، دینیات، فارسی، حساب، جغرافیه ومشق خط . شاخه های ابتدایی به شش عدد میرسید: اولاً درمساجد وبعدا در تعمیرات حکومتی تدریس میشدنددرقاط مختلف شهر کابل، وبه نام ها یاد میشدند: مکتب ابتدایی باغ نواب، تنور سازی، خفایی چنداول، پراچه ها، مکتب حضور(خدام حضور عالی) برای سردارزادگان، ومکتب گذر هنود .

۲- دورهٔ رشدیه، مدت تحصیل آن سه سال بود ودرختم دوره نیز شهادتنامه داده میشد. برخی ازفارغ التحصیلان آن به مامورتهای دولتی شامل میشدند و عدهٔ دیگر نظربه خواهش، به تحصیلات بلندتری می پرداختند. مضامینی که درین سو به تدریس میگردد، ازین قرار بود: قرآنکریم، دینیات، تاریخ، جغرافیه، فارسی، عربی، پشتو، (ترکی یا اردو) انگلیسی، رسم، حفظ الصحه و سیاق .

۳- دورهٔ اکمالیه (اعدادیه)، مدت تحصیل آن هم سه سال بوددر ختم تحصیل برخی ازفارغان آن باید خارج، امریکا، جاپان، ترکیه ... فرستاده میشدند. ولی این پروگرام عملی شده نتوانست. مضامین این سو به فارسی، دینیات، تاریخ، جغرافیه، جبر ومقابله، مثلثات، هندسهٔ تحلیلی، جراثغال، حکمت تحلیلی، کیمیا وانگلیسی بود.

این معارف کوچک درعصر سراجیه زمانی به خانهٔ سردار عبدالله خان توحی درباغ علیمردان، گاهی در تعمیر مهمانخانه (ولایت کابل موجوده)، زمانی در بیرون (درحوالی دافغانستان باتک)، جندی در داخل ارگ وبالاخره درشهرآرا قرار داشت. این مکتب دارای بیت الحکمه (لایبراتور)، (بیت الرسم)، اتاق آرت، بیت العلاج (شفاخانه)، کتابخانه (کتب به زبانهای فارسی، اردو، عربی، پشتون، اردو، انگلیسی موجود بود . تحویلخانهٔ لوازم درسی وبک دفتر بانقر کاتب بود. مجموع طبلهٔ لیسهٔ حبیبیه به ۲۶۹ نفر وازمکاتب ابتدایی شهر به ۷۰۰ نفر می رسید، که بعدها تعداد آنان درمجموع به ۱۵۳۶شاگرد رسید. این شاگردان را ۵۵ معلم تدریس میکردند که از آن میان دوفتر معلمین نظامی برای تمرین عسکری نیز شامل بودند. درین مکتب بر علاوهٔ معلمین ودانشمندان داخلی، عدهٔ از معلمین هندی نیز مشغول تدریس گردید. به گفتهٔ شادروان عبدالهادی خان داوی، اسمای عده از آنها ، تاجیکیکه حافظه یاری میدهد، قرار آتی بودند :

الف ـ معلمین افغانی : مولوی عبدالرب معلم دینیات ومولف جلداول تاریخ اسلام (این اثریحتی کتاب درسی مورد استفاده قرارداشت، مولوی محمدسرور معلم فارسی، قاری عبدالله ملک الشعراء، قاری عبدالغفور ندیم شاعر ومولف کتاب صرف ونحو، ملاعبدالرشید لوگری معلم الفبای صنف ابتدایی، قاضی عبدالرشیدننگرهای معلم فقه، میرسیدقاسم لغمانی، مولوی صالح محمدخان قندهاری معلم پشتو، مولوی غلام محی الدین افغان، قاری نیک محمد ازدولائهٔ چهاریکار معلم تجوید، توره محمد معلم فارسی و دینیات، کاکاسید احمدلودین بیحت منتظم ایفای وظیفه میکرد.

ب ـ معلمین هندی : غالب آنان ازفارغان کالج لاهور یا علیگربودند. داکتر عبدالغنی، نجف علی، محمدچراغ، چودی اسماعیل معلم انگریزی وجغرافیه، چودی عبدالعزیز معلم علوم طبیعی وتاریخ، مولوی معراج الدین معلم انگریزی وتاریخ، سکندرخان معلم انگریزی (که دفعتا درمکتب حبیبیه آوازه افتاد که او جاسوس است، همان بود که ازافغانستان فرار کرد)، مولوی محمدحسین مشهور به بی ای B.Aمعلم ریاضیات، مولوی محمدعلی معلم انگریزی، مولوی کریم بخش معلم جغرافیه، مولوی احمدالدین (حافظ قرآن شریف)، وبعد ازداکتر عبدالغنی مدیرمکتب حبیبیه مقررشد، و مولوی مظفر بنوی . خداوند همهٔ شانرا رحمت کند .

درمجموع این بنیاد فرهنگی نوین (مکتب حبیبیه) زمینهٔ پرورش کدر های مختلفهٔ اداری، فنی ومسلكی آینده را بوجودآورده، به تدریج حیثیت یکی از مراکرمهم وعدهٔ فعالیتهای سیاسی روشنفکران دموکرات، ترقی خواهان، اصلاح طلبان، آزادخواهان واستقلال طلبان کشور گردید.

تعلیم وتربیه مخصوص پسران بود ودر کنار بودجهٔ دولتی، مردم نیز کمک مالی میکردند، چنانچه شادروان محمدحسین خان مستوفی الممالک مصرف یک مکتب رابدوش گرفت .

محل دارالمعلمین ابتداییه درمدرسهٔ شاهی بود که بنیاد آنرا امیر عبدالرحمن خان گذاشته بود . /

(مقالات ومطالب جالب دیگری هم ازهمکار عزیز ودانشمند امید شادروان زین العابدین عثمانی، رئیس تربیت بدنی سابق افغانستان، در آرشیف امید موجود است، که به به شرط ادامهٔ حیات امید، به نشر خواهندرسید. همانطور که ازهمکار ارجمندوعالم دیگر امید، شادروان محمد کامل انصاری نیز مقالاتی موجوداست که به تدریج چاپ خواهندشد . اداره)



وحملات بالای اهداف از قبل انتخاب شده شان استفاده کنند.اشرف غنی بعداز مطالعهٔ این طرح، آن افرادوطرح شانرا به اتمر فرستاده تانتظرات اتمر رادرموردجوابشود، ظاهراً آقای اتمر بانفس این طرح موافق است. اما به گفتهٔ وی بایدطرح باحوصله مندی و زمان زیادی اجراشود. اتمر به طارق گفته مصارف این طرح را از MI6سازمان استخباراتی انگلیس می گیرد و دراین زمینه مشکلی ندارد . (منبع: سایت همایون ۲۴جولای ۲۰۱۵)

فاشیست ها همچنان در پی توطئه هستند (دنباله ازصفحهٔ دوم)
های دیگر به سطح رئیس جمهور پد برایی میشود و در داخل هم اینهمه مجالسی که بر گرامیکنویزگان اقوام رامیبیند، و فعالیتهای شدید سیاسی دارد، بالاخره با آقای احمدزی یک مقداری مشکلاتی طبعاًداشت بخاطر بکه کرزی واحمدزی هم اندیش، دوبرادر هم طبع و هم فکر هستند، در طول انتخابات دیدیم که کرزی بیشترین امکانات قلب را تهیه دیدواشخاصی رادر کمسیونهای انتخابات برگزید که کاملاًگوش به فرمانش بودند، و حتی از گوسفندها رأی آوردند، و بالاخره وقتی با پادرمیانی امریکا این حکومت جورشد، آقای کرزی امیدوار بود که احمدزی بتواند به شکلی از اشکال، حکومت راپاک سازی بکند واشخاص نابابی را که به عقیدهٔ اونها درمناصب حکومتی حضورداشته باشند، یعنی جانب مقابل وتیم ریاست اجراییه، گویا آمده وباین آدم روی همین بحث کرده که انتظارما این بود که اینها رابه هر ترتیبی شده، ازحکومت بیرون بکنی وحکومت خالص وسچۀ فاشیستی موردنظرانگلیس وآی اس آی را برقرار کنی، وتودر این زمینه ناکام ماندی وهنوزهم عبدالله بنام رئیس اجراییه است ودوسه چارنفری هم بنام وزیر ومشاورین ومعاونینش حضوردارند و اینهامیخواهند اثر گذار باشند. گویا یک بررسی کارنامهٔ نه ماهه رابا هم انجام دادند وراههای برون رفت ازین مسئلهٔ بزرگ برای خود شان، یعنی خانه کنائی وپاک کردن حکومت ازوجود (ییکانگان)، به توافقاتی رسیده اند که نتیجهٔ آن در آینده بسیار مرگبار خواهدبود. در کجای دنیا دیده شده که رئیس جمهوری که سه دور ریاست کرده وطبق قانون اساسی ازریاست خلاص شده ودیگر کار رسمی به آن معنی ندارد، اگر کدام مشورۀ میدهد!آهم درصورتیکه رئیس جمهوریا رئیس اجراییه ازش بخواهد ، درغیرآن مسئولیت وصلاحیت ندارد، اما ما مبینیم که همه آنچه در جهان امروزدر کشورهای بسیار عقب مانده ویشرفته ناممکن است، درافغانستان ممکن میشود و رئیس جمهورسابق باکمال پررویی مذاکرات رسمی بعمل می آورد، درغیاب نصف حکومت، آن پنجاه درصدی که درتوافقتنامه وجود داشت، آنها را کاملاًبیرون دروازه گذاشته وخودشان، فرمودۀ شما با همان گروه خاص وخاص ویژهٔ خود، به کنکاش پرداخته اند، تا ببینیم که تایکی دوماه بعد نتیجهٔ این نشست چه خواهدبود، خداکند شونده های شما مراشخص بدبین حساب نکنند، این بدبینی نیست، بلکه دقت درسیر تحولات است واثرا گذاری اشخاص مؤثر که در شکل دهی آینده افغانستان، به روشنی معلوم میشود که چه میخواهند، چه تاحال کرده اند وبرنامهٔ بعدی شان چیست؟ اگر کسی انکار می کند، فکر میکنم فقط زمان بزودی متوجه میسازدش که همین عرضی راکه کردم، برداشت اکثروطندوستان است.

پرسش : شما ازاتحادنیروهای برون ازهمین جو یاد کردید، مثلاًآقای نور که امروزبیت سرپرست ولایت بلخ درشمال حضوردارد، آقای جنرال دوستم که معاون اول رئیس جمهور وآقای محقق که معاون دوم رئیس اجراییه هستند، آقای نوربصراحت گفت که ماسه جریان در یک اتحاد آماده هستیم تاشورشانی را که امروزقتل وغارت وجنایت وآدم کشی میکنند، بخاطر حفاظت مردم خود ، باینهادرستیز وجنگ شویم ونابودشان کنیم. درهمین جوی که وجود دارد، دولت اندردرون دولت است، عدۀ زیادی هستند که هر صدایی که بلند می شود درمخالفت باطالبان، کوشش میکنندآن صدهاها را به شکلی مهاریکند وحتی گفته شد این نیرو هاناید انسجام پیدا کنند و نیاید درمقابله بانبروهای شورشی در شمال مسئلهاته جنگ بکنند، ولی دیدیم که روز گذشته آقای محقق بصراحت در غرب کابل گفت که مردم آماده باشند وشرايط راهم درک کنند ومتوجه باشند که حالت تغییر خواهد کرد. به نظر شما این سه فرد یاسه گروه که درشمال حضوردارند، تا کجامیتوانند درمعدلات جنگی شمال موثرواوقع شوند و وجود ترور بستهاو آدمکشها رادر خطۀ شمالی کشور ماپاک کنند؟

پاسخ : به برداشت من، سیاست عملی وخط مشی که توسط کرزی سیزده سال واین نه ماهی هم توسط احمدزی پیش برده شده، آقندر فاشیستی ویرتری طلبانه بوده، وهجوم تنها کوچی هارا که شمارد مناطق مختلف افغانستان ببینید، اینهاهمه پروژه هستند، برنامه ریزی شده اند، یک حملهٔ کاملاً طالبی که در اواخر قرن یست درافغانستان براه انداخته بودند توسط پاکستان، همان درحال تجدید حیات ودر حال گسترش است، واین توفان را از جنوب به شمال میبرند توسط همان طالبها وبرنامهٔ آن میان احمدزی وکرزی درین ارگ کابل ریخته میشودوپیش برده میشود، وچون علیه تمام اقوام محروم ومظلوم هست این پروژه، این اقوام دیگر فقط برای بقای نسل خود وبقای فرهنگ خود، هیچ راه وچارۀ جز جنگ وستیز باظالم وفاشیسم قومی، سراغ ندارند و به ناچار باهم باید یکی باشند وبه ناچار باید با زور گویان بجنگند، که من ازخداوند توفیق شائرامی خواهم . آقای محقق آدم بسیارسیاس است وجنگ دیده ودر کورۀ مبارزات پخته شده، همین طورجناب استادعظامحمدنور یک سرباز شجاع ستراتیژیست لایق ومتعهد به وطن وبه مفاخر مملکت خود است وهمچنان جنرال دوستم رزمندۀ بسیار قوی است، اینها وسیار کسان دیگر درهمین راستا فکر میکنند و برای بقای مردم خودبه ناچار ازمنسجم هستند واینرا هرفرقتی که بخواهد، مثلبکه دردوران مقاومت دیدیم تاآخرین لحظه سنگرها را رها نکردند تاطالبها رابه آن طرف خط دیورند پرتاب کردند. من مطمئن هستم که چون حق با اینهاست وخداوند بالا ینهاست، انشاءالله موفق میشوند تابرصدانذهای فاشیسم پشتونی پیروز شوند، البته مردم پشتون مازنانزین ترین افراد افغانستان هستند، این سران و رهبران ایشان هستند که همه خودساخته ونو کر خراج وگماشتهٔ اجنبی هستند، و به نام یک قوم شریف، این مظالم را آورده راهی هستند ومتأسفانه این جریان بیش از دوصدسال طول کشیده ومطمئن باشند که دیگر مردم مامردم دو صد سال پیش وحتی مردم بیست سال پیش نیستند، همه روشن شده اندواگاه هستندواچنگ ودندان ازسرمین خود وازملت خوددواز مفاخر خود دفاع می کنند درمقابل اژدهای فاشیسم .

پرسش : عدالت انتقالی موضوعی بوده در فرهنگ سیاسی ما درین چندسال اخیر، که باید در کشور اجراشود، واین عدالت وقتی اجرا شده میتواند که ما تعریفی ازدشمن مردم داشته باشیم واز آنهاهی که آدمکش وجنایتکاروقاتلین مردم افغانستان بوده اند، تابعد حکومت عدالت پسندی داشته باشیم که بدون هیچگونه ملاحظه، آنرا در معرض اجرا بگذارد . شما درین باره چه نظر دارید، آیا این عدالت اجرا خواهدشد؟ باین حالت صلح خواهی وادامۀ جنگ وجنگ طلبی وشعارهای رنگارنگی که حکومت وحدت ملی گفته میروند تا خواست عدالت انتقالی را دفن بکند، عاقبت چه خواهدشد؟

پاسخ : عدالت انتقالی یکی از مشخصه های جوامع مدنی است، کما اینکه همین دیروز پبلک چینل رادیویی امریکا خبراز محکوم شدن یک فرد نازی که دروقت هیتلر مردم را نامنویس میکردوبه گیر پلیس فاشیسم می سپرد، را شناسایی کرده اند، ودرحالیکه نودوشش ساله هست، برایش زندان تعیین کردند وگفتنداگر در زندان بمیرد، هم عیب ندارد ولی عدالت اجرا شود. درافغانستان ازوقتیکه حکومت نو آمد وجامعۀ مدنی سربلند کردو کمسیون مستقل حقوق بشر بناگذاشته شد، متأسفانه یک جای کارمی لنگید که درائر راهنمایی کرزی واطلاامش که همه در مقامات بلندبودند، عدالت انتقالی را به بیراهه کشایدند و منظورشان فقط وفقط دستگیری و محاکمۀ فرزندان رشید مقاومت ملی افغانستان بود، که در برابر طالب و پاکستان ودر برابر توطئه های انگلستان قلد

برافراخته بودند و تا جایی که خداوندبرای شان توان داد، طالبها را گروه گروه به جهنم فرستاندند، فقط به همین نکته منهک شدند که عدالت انتقالی باید اجرا شود وآنانی به محکمه سپرده شوند که ازاستقلال وشرافت و حاکمیت ملی و نوامیس وافتخارات فرهنگی این کشور دفاع کرده بودند در برابر تجاوز پاکستان. هیچ کسی تاامروزنگفته که طالبهای که تاامروز کشته میروند، آقای احمدزی درنماز عید به مردم میگوید که ازملامعر ممنون هستم که از صلح حرف زده، همان لحظه در هرات پلیس هاواطفال کشته شدند در حملات همین طالبهای ملا عمر، در کابل و بلخ کودکان وزنان کشته شدند، درنگرها و نیمروز و هیرمند و قندهار کشته شده راهی هستند، واین برادر طالب آقای احمدزی ازملامعر تشکر میکند که حرف از صلح می زنی !

این حکومت وحکومت سلفش مفاهیم عالی چون صلح وعدالت انتقالی و عدالت اجتماعی را به کثافت کشانیده اند، این عدالت انتقالی آقندر به حضيض ذلت رسانده شده که کسی باوربه این ندارد، قاتلین اصلی ملت، قاجاقبران، دزدان سرما به ملی همه در بهترین شرایط زندگی میکنند، اما اینها چسپیده اند به چهارمجاهدی که بایدبه محاکمه کشانده شوند تاعدالت اجراگردد ! ازین مسخره تر نمیشود، ومن برای این هم آیندهٔ روشنی نمی بینم ودر کل اوضاع افغانستان به همین شکل ومسیری که ادامه یافته، جز نباهی و برادری افغانستان، هیچ ثمر دیگری نخواهدداشت، وبرنامه ریزان در این حالتی که است نمی مانند، از قدرت به پایین کشانده میشوند، ولی حیف که عدۀ زیادی ازهمین مردم مظلوم ومحکوم افغانستان باز هم تلف خواهدشد، خداوند رحم کند که این حالت در کشور پایان یابد، اینها بخود بیایند ودست ازسراین ملت بردارندویگانگی واقعی وتساوی حقوق راین همه اقوام بیآورند.

این فاشیستان از کوچکترین مظاهر تساوی حقوق ملت جلوگیری میکنند، از تذکرۀ برقی جلوگیری میکنند تا تعدادنفوس اقوام پدیدار نگردد، واین راهر کسی حتی کودک ده ساله درمی یابد که همهٔ اقدامات این گروه نابکار توطئه است درمقابل ملت .

رسالة کارنامهٔ ده ساله ... (دنباله ازصفحهٔ چهارم)

دیرینهٔ خود را که هماناخدمت در راه فرهنگ کشور وآزادی بیان بود، درعمل پیاده کند، بدون توجه به اینکه برق نیست وسردی زمستان هم پیدامیکند، موثر نیست و هیچگونه امکانات نیست، در بررورشانی شمع اولین گام خود را در راه تدوین قانون رسانه های همگانی که پیشآهنگ آزادی بیان در کشوربود، گذاشت. روی این قانون شب و روز کارصورت گرفت و پس از یکماه کارو تلاش، درماه دلو همان سال، قانون رسانه های همگانی طرح وتدوین گردید وبه توشیح رئیس جمهور(رئیس ادارهٔ مؤقت) حامد کرزی رسید، یعنی اولین قانونی که در کشور درشروع ادارهٔ مؤقت نافذ گردید، هماناقانون رسانه های همگانی بود، درست دوسال قبل از افناذ قانون اساسی کشور. حاصل این قانون همانادادن جواز باشرايط بسیار سهل به بیشتر از یکهزار ودوصدنشر به، فعالیت بیش از شصت تلو یز یون، دهها آژانس خبری، دوصد رادیو، دوصد وهفده مطبوعۀ خصوصی، دوصد وده دارالترجمه، ایجادنشریۀ وطنداران به زبانهای اوزبکی، ترکمنی، پشه یی، نورستانی وبلوچی وتأسیس روزنامۀ ارمان ملی (که این یکی بعدا به بخش خصوصی سپرده شد)، بود که تاامروز همه درخدمت مردم، دمو کراسی و آزادی بیان قرار گرفته اند.

رادیو تلویزیون ملی، آژانس اطلاعات باختر وروزنامه های دولتی انیس، هیواد ، اصلاح وکابل تایمز همه دوباره فعالیت خود را ازسر گرفتند. مرکزین المللی مطبوعات که خانه و کاشانۀ خبرنگاران دولتی وغیردولتی وخارجی میباشد، تأسیس شد که بعداز چهارسال فعالیت پرتمر، دراثر حملهٔ انتحاری بابهمه داروندارش از میان رفت، و باآمدن دوبارۀ داکترهین به سمت وزیر به این وزارت اولین اقداماش احیای مجدداین مرکز بود که بهتر ازقبل درخدمت همه فرهنگیان، خبرنگاران، سازمانهای اجتماعی، احزاب سیاسی، ادارات دولتی ونهاد های فرهنگی واجتماعی کشور قراردارد، وتالاران بطور رایگان درخدمت همه حلقه های مذکور وبقول داکترهین در خدمت هر کسیکه سخنی ویابیامی برای گفتن داشته باشد، قرار دارد .

جلسات پهنهای آزاد پیرامون دمو کراسی، سیرمشروطیت، اوضاع سیاسی کشور، تدویر اکثر سمنارهای وزارت وسایر ارگنها، تجلیل از روزهای ملی ومذهبی وبامناسبتهای خاص، توزیع کارت به همه خبرنگاران داخلی وخارجی، کتابخانۀ مجهز دیجیتالی، کتابخانۀ مجهز باداشتن حدودچهارهزار جلد کتاب، تدویر کورسهای فنون خبرنگاری، زبان انگلیسی وکمپیوتر ازسوی استادان داخلی وخارجی برای خبرنگاران دولتی وغیردولتی درین مرکز صورت می گیرد به بیش از یکهزار خبرنگار درسطح کشور کارت خبرنگاری توزیع شده ویشتر از یکهزار کنفرانس مطبوعاتی، تجلیل ازروزهای ملی ومذهبی، تجلیل ازشخصتهای تاریخی، فرهنگی، ملی ومذهبی، تدویر سمنارها وورکشاپها از سوی وزارت اطلاعات وفرهنگ و سایر نهادهای تدویر شده است....)

همچنان در شمارش کارنامه های چشمگیر داکترهین، حدودیش از چهارصد کارنامه وبیدۀ ارزشمند وماندگار تذکر یافته است، که شما خوانندگان گرامی امید میتوانید در متن رساله مطالعه نمایید.

من معتقدم که هر گاه یک امنیت نسبی درافغانستان عزیز برقرارشود وگریبان ملت و کشور ازچنگال دهشت افگان و آدمکشان وزمین سوزان وفرهنگ ستیز رهایی یابد، وزرای دولتهای آینده میتوانند با کارنامه های مشابه شکوفان در رفع پسمانی، وقلب دوستبرد و اختلاس (کورپشن) مصدر خدمات شایان گردند، باتکاء به این مقولۀ کهن:

نابرده ریج گنج میسر نمی شود
مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

کرزی سقوط خود را پذیرفته است (دنباله ازصفحهٔ سوم)

آقای کرزی گزارشگر را در دفتر کارش در حوالی ارگ جمهوری پذیرفت و مستقیماً سوال کرد روزنامهٔ نیویارک تایمز حالا چه فکر میکند؟ کرزی در جواب به این سوال که آیا کسانی وجود دارند که برخلاف اعطای لقب قهرمان مطبوعات آزاده شما باشند، گفت:(به هیچ صورت، خود روزنامهٔ نیویارک تایمز هم همین رامیگوید که سیزده سال گذشته، بهترین زمان برای مطبوعات آزاد بوده است، فکرمیکم هیچ افغانی آنرا در نمی کند. درشرایط افغانستان در طول تاریخ هیچگاهی مابهتر ازین نداشته ایم، آزادی مطبوعات مابهتر از آزادی آن دراكثر کشورهای جهان میباشد.)
کرزی افزود که اوبویژه به پیشرفت میدیای افغانی در زمان زمامداری اش افتخار میکندواز اخراج گزارشگر نیویارک تایمز دفاع مینماید، (اخراج گزارشگر بخاطر حراست ازحق حاکمیت افغانستان، حفظ پروسۀ دمو کراتیک وصیانت از آزادی مطبوعات صورت گرفته بود.)
پس ازچاشت روز یکشنبه ۱۴ جون، مراجعین به دفتر کرزی را شماری از دلالتان قدرت تشکیل میدادند، مثل ملاعبدالسلام ضعیف یک مقام بلندتریم طالبان که اکنون در شهر کابل حیات بسر میبرد، جنرال رحیم وردک وزیر دفاع سابق، جاوید لودین معین پیشین وزارت خارجه وصادق مدبر یک همکار بلند پایهٔ اداری آقای غنی .
آقای کرزی اظهار کرد:(این روش زندگانی افغانهاست، بعضی روزها ماملاقات های زیاد داریم و روزهای دیگر هیچ گونه

دیداری صورت نمی گیرد.)

سال پیش کرزی در یک مشاخرۀ تند با دپلوماتها ورهبران نظامی امریکا برسر حملات شبانه وحملات هوایی قرارداشت، که سبب تلفات زیاد مردم ملکی می گردید. مشاخره بخاطر نکول کرزی از امضای موافقتنامهٔ امنیتی به اوج خود رسید. موافقتنامه اجازه میداد که شماری از نظامیان امریکا، پس از خروج قوای ناتو درسال ۲۰۱۴ در افغانستان باقی بمانند. آقای غنی موافقتنامه رابه سرعت پس از اشغال وظیفۀ ریاست جمهوری امضانمود وحملات شبانه ازسر گرفته شد، بدون آنکه به موضوع تلفات ملکی توجه شود.
کرزی بیان کرد:(فکرمیکم که من بسیار خشن وسختگیر بوده ام، ولی تاحدی در برابر ویخاطرمنافع وسیع افغانستان، اعتدالی حرکت کرده ام.)

کرزی برای اینکه رهبران نظامی امریکا به تقاضاهای وی اهمیت قایل نبودند، وحملات متنازع قبیله را ادامه میدادند، ناامیدشده بود. اونگران آن بود که چنانچه حملات ادامه یابد، اوحملهٔ طیارۀ درون را در خوست بتاریخ ۴ جون که ۳۴ طالب رابکام مرگ فرستاد، انتقاد نمود. بقول مردم ملکی، دران حمله شماری از افراد عادی هم تلف شدند.
کرزی گفت که مشاخرۀ اوبا امریکا که به افغانستان خیانت کرد، او را بصورت نادرست ضدامریکایی ها تلقی کردند که غلط بود. مردم امریکامردم بزرگ هستند، من به آنها احترام عمیق دارم.)
کرزی از امریکا سیاسگزاری کرد که افغانهای زیادی رابشمول دو برادرش اجازه داده است در آنجا زندگی نمایند.

زمانیکه حکومت کمونیستی پدر کرزی را بازداشت کرد، اودر یک دانشگاه هند دانشجویود.(این برادران من بودند که با کارشیا روزی ماهانه یکصددالر بدون تأخیر ارسال میکردند که شش سال ادامه داشت، انگلیسی که اکنون من صحبت میکنم، محسوب پولی می باشد که محمود کرزی به من میفرستاد.)
کرزی افزود:(من به امریکاییها احترام خیلی زیاد قایل میباشم که به مردم فرصت آماده ساخته اند کار کنند ومنفعت بدست آورند. این کار باحملات شبانه، با بمبارانها وبازداشتهای افغانها توسط حکومت امریکا تفاوت زیاد دارد. زمانیکه من انتقاد میکنم، انتقاد متوجه همان بعد کار حکومت امریکا میباشد.
کرزی ادامه داد که وی متوقع است مقامات رسمی امریکا یک نقش فعال درمذاکرات صلح باطالبان بازی کند. این موضوع رابه سفیر امریکا که به دیدارش آمده بود، هم گوشزد کرده است.(توقع دارم که یک بیانیه ازطرف امریکاصادر شود که تلاش نمیکند کنترل قسمی افغانستان رابه نوعی در اختیار پاکستان قرار دهد یانفوذ پاکستان رابر افغانستان ییاورد.)
کرزی افزود:(به سفیر امریکایگفته ام که میل دارم از آنها درین باره چیزی بشنوم.)

وقتا که کرزی باتأکید اظهار کرد که اونمی خواهد حکومت غنی را انتقاد کند، نگفت که نگران آن است که آقای غنی تلاش دارد روابط خود را با پاکستان بهبود بخشد.
آقای کرزی ماه پیش علناً امضای یادداشت تفاهم را میان دستگاه استخبارات پاکستان وامنیت ملی افغانستان تقبیح نمود.
کرزی طی یک بیانیه که به رسانه داده شده، گفته است:(مامیخواهم رهبری افغانستان هرچه زود تر یادداشت تفاهم رافسخ کند وازامضای هر گونه میثاق خلاف منابع ملی، ابا ورزد.)
ایمل فیضی سخنگوی سابق کرزی، که اکنون خود رارابطۀ میان کرزی ودیگران مبیندارد، پیشتر رفته، عمل غنی را (همجویی بادشمن) میخواند.
آقای کرزی گفت:(من از یادداشت تفاهم باآن دستگاه حمایت نمی کنم.) هدف کرزی از آن دستگاه، اشاره به آی اس آی میباشد.(من یک صلحجو میباشم، طرفداری از جنگ افروزی نمی کنم.)

آقای کرزی به خوشی خود، پیش از انتخابات اطمینان میدهد که در جستجوی دوبارۀ ریاست جمهوری نیست. قانون اساسی افغانستان تصریح می سازد که رئیس جمهوریش از دوبار انتخاب شده نمیتواند. شماری از تحلیگران آن رادو دورۀ پی در پی تفسیر کرده اند. اگرچه مطالبی به آن قرائت ازقانون، کرزی دوبار انتخاب شد. اگر درسال ۲۰۱۹ او نامزد انتخابات شود، آن وقت ۶۱ ساله می باشد.
آقای کرزی اصرار نمود که چنان چیزی واقع نمیشود.(ببینید اگر مملکت دوباره به من ضرورت پیدا کند، آن یک علامت خوش آیند بوده نمیتواند.)
/*****

آیا داوودخان وطن ما را دوست داشت؟ (دنباله ازصفحهٔ پنجم)
درجربۀ امید خواندم سال ۱۹۵۷ قنسلات وطن ما درشهر موئنش بود، شاه ولی خان برای تفریح انجامد، قنسل او را باچندتن دگر مهمان کرد، سخن از وطن از پی نظمی ها رشوت ستانی وکارهای نادستی که باید اصلاح شود در میان آمد، یکی از مدعوین گفت خوب است که مارشال صاحب اینجاست، تا گفته هارابه سردار صاحب داؤودبرساند، او گفت اوبرادر توماره میخوامی در گیر آن دیوانه بدهی که مرا در مجلس روان کند. اما ۱۶ سال بعد دیوانه کار خود را کرد.

در جربۀ امید شمارهٔ ۳۵۳ نبشۀ فقیر محمدفگار مصالحي دیدم، خانم انیسسه معلمۀ خانگی دختر سردار داؤد گفت، روزی برخلاف دگر اوقات داؤود خان را روی کوچ خوش وخندان دیدم جرئت کرده پرسیدم، سردار صاحب مثل که امروزواقعۀ خوشی افتاده ؟ بابهرة بشاش گفت امروز قرارداد صلح وهم کاری را با روس ها امضا کردیم، من گفتم همین روس ها که بی خدا هستند، در عهد ویمان شان هیچ اعتباری نیست. باز پیشانی اش مثل همیشه ترش شد واز جایش پرید اطاق را ترک کرد.

محترم جنرال نذیر سراج کنای پر محتوای تحت عنوان (روی دادهای نیمۀ اخیرسده بیست درافغانستان) نوشته، که ازهرنگاه معلوماتی، مستند، نسبتاً باحقایق برابر، ساده، خیلی سلیس وروان، هروطبوستی که پویای حقیقت است، مطالعه اش را مشوره میدهم. سراج درص ۴۳ می گوید، روزی داؤد درمحضر جنرالان گفت هر که داعیۀ پشتونستان را تقویه نمیکند خاین به وطن است. وی مسئلۀ پشتونستان رادر صدر کار خود قرارداده بود. به همین جهت وزارت دفاع را تقویه کرد ووافغانستان را فدای پشتونستان کرد، در سال ۱۹۵۵ جرگۀ اعتصابی دایر ودست باز گرفت که حکومت ازهر مملکت میتواند اسلحه بخرد. درص ۴۷ میگوید داؤود کاملاً به روسیه اتکا کرده بود. درص ۴۹ آورده مردم حکومت کاکاهای داؤود را استبداد کبرا وحکومت داؤود را استبدادصغرا می نامیدند.

شهیدمیوندوال برای ما گفت، بودجه ریاست قباایل زیادتر، ازبودجه وزارت معارف بود. هنگام اظهار نظر خود، روی همین موضوع از کابینه، خانه نشین شد.(ازمان رئیس مستقل مطبوعات بود) داؤود برایش گفته بود گیهای را که مهرخان درادیوپاکستان می گوید، وزیر کابینه ام درحضور می گوید. این علتی بود، تا نامبرده مدتی خانه نشین شود. هنگامیکه شاه ازاین موضوع خبرشد، وی را به صفت مشاور ومطبوعاتی خود تعین کرد .

مرحوم کوشان از زبان داکتر عبدالمجید سفیر وطن مادرلندن مینویسد، تلفون زنگ زد انطرف خان عبدالغفار خان بود برایم گفت من درهتل ... هستم معاشم را روان کنید، من گفتم شما اینجاییاید رسید بدهید معاش شما اجرا میشود غفار خان گفت مرا پاکستانیهایمیبینند، سفیر صحب پیشتر همان قسم اجرا میکردند گفتم، ما محاسبدهی داریم باید رسیدی داشته باشیم گفت پس من شام می ایم که کسی مرا نبینند. همین قسم داکتر تحیب حساب پس انداز این خان منافق را که مبلغ ۱.۲ ملیارد افغانی بود با مفاد ۱۲ درصد به قلم خود از حساب پشتنی تجارتی بانک اجرا کرد . / (دنباله دارد)

خطاب به آقای سادات (دنباله ازصفحهٔ سوم)

خوب سادات صاحب من این قضاوت را بشما میسپارم که آیاازین امر الهی پیروی کرده اید یا نه؟

اکنون توجه عمیق شما را به این آیت متبر که٬نمبر ۲۹ سورة الکهف جزء پانزدهم معطوف میخواهم:«و بگو، (این) سخن راست (است) از پروردگار شما؛ پس هر که خواهادایمان آرد و هر که خواهد کافر شود...». سادات صاحب! بالفرض محال، اگر شفیع عیار و یا دیگران (خدا ناخواسته) خواسته اند که کافر شوندوشماو همدربفان تان بخواهید که آنها را مانع شوید آیا بخلاف این ایت معظم حرکت نکرده اید؟ از جانب دیگر،شما میتوانستید که از امر معروف استفاده کرده ما و دیگران را مخصوصاً داعیشیان و طالبان براه دین حق بوجه احسن هدایت فرمائید،ولی بعوض شما و همقطاران تان با سخنان زشت و نا سزا زمینهٔ یک نزاع را خلق کردید که سنت محمدی نه بلکه راه شیطانیت.

آیهٔ متبر که٬نمبر ۲۹ سورة ص جزء بیست وسوم توجه فرمائید که چگونه خاصناً با حالت موجودهٔ ما و شما مصداق پیدا میکند: (این) کتابی است مبارک که فرو فرستادیم آنرا بسوی تو، تا تدبیر کند مردم در آیات او؛ و تا بفهمند (متذکر شوند) خداوندان دانش ، اولواالباب (صاحبان خرد)، درینجا درتفسیر کابل با ترجمهٔ(خداوندان) هم عقیده نبوده ترجمهٔ (پیام نور)را که در قوسین تذکر داده ام ترجیح میدهم. ببینید سادات صاحب، خداوند آیات معظم را برای تدبیر و تعقل و تفکر برابما فرستاده از ما توقع شده است تا بر خلقت انسان، پیدایش زمین و بحر وآسمان و افلاک، برگ درختان، گردش سیارات و روز شب و روشنی و تاریکی تفکرو تعقل کنیم. خداوند(ج) را شکر گزاریم که بما این اعجاز قرآنی را نصیب ساخته است تا بتوانیم ازطریق تدبیر و تفکر و تعقل: علم رشیم یا امبریولوزی بمیان ییاوریم، به تحت زمین برای تجسس نفت و گاز و احجار قیمتی در جستجو شویم، از عمق بحر غذا های لذیذ و نفت بیرون آریم، به افلاک سفر کنیم و بعد از پانزده سال به سیارهٔ پلوتون Pluto برسیم وببینم که مانند زمین قفل شامخ دارد، اینکه خداوند فقط از آب و خاک چه نوع درختان و میوه های لذیذی نیست که برابما وشماطلف نفرموده است، از گردش سیارات و روشنی وتاریکی مابهٔ Circadian Rhythmبا ساعت ییولوژیکی وجود ما بلد شویم؛ سادات صاحب، لست طویل است واین همه همان دلیلیست که خداوند خودفرموده که (علما خدوئرا بهترتر می شناسند) و باید دانست که این (علما) مختص به علمای دین نبوده شامل علمای طب و سائنس و اجتماعیات وغیره نیزمیباشد. درینجا یک قصه ییادم آمد میخواهم که باشما یکجا آنرا دوباره بخاطرم تازه سازم: وقتیکه در رایل کالج جراحان لندن جدیداً درسال ۱۹۶۸ داخل شدم پروفیسر فزیولوژی ما یک پیود بود. چون میخواستم به فزیولوژی بیشترآشناشوم او را(تو تر)خودانتخاب کردم تا لمحاتی را بامه به اصطلاح دو به دو به دقت بیشتر در تدریس فزیولوژی سیری نمایم. ای ضمن تشریح وظایف سیستم جهاز هضمی برایم تجربهٔ شخصی خود را چنین اظهار داشت: برای اینکه ما بتوانیم شحم را از طریق ورید بدون تشکیل آمبولی شحمی آماده سازیم لاپراتوار ما درساحهٔ اضافه از پنجاه هزار فت مربع قرار داشت و سامان وادوات قیمتی و ملدن هم دردسترس داشتیم، اما موفق نشدیم، ولی روزی با خود غرق تفکر شدم که غذای چربی را که من صرف میکنم در طرف چند دقیقه از طرف یک حجرهٔ که برای دیدنش باید به مایکروسکوب الکترونیک مراجعه کنم جذب و داخل دوران خون میشود. آنوقت بود که دانستم و درک کردم ختالی است و خدای بزرگی است که همهٔ اینها را دیزاین و فعال ساخته ومن که تا آن زمان بخدا عقیده نداشتم دوباره بسوی او رو آوردم و از خطاهای خود طلب عفو کردم. سادات صاحب، اینست نتیجهٔ تدبیر، تفکر و تعقل که ما باید مصروف آن باشیم و لاکن میدان را کسانیکه نه مسلمان اند و نه مومن ازما ربوده آیات قرآن را برابما ثابت می سازند. درحالیکه درمیان افغانهانزاع دوامدار وجود دارد، دروغها گفته میشود، فساد اخلاقی و اداری به اوجش رسیده، سر معصومان بریده میشود، به مهر محمدی و برقی که یک روزسبب اعتلا وپخش اسلام بود زیر نام اسلام، توسط یک گروه نوکران و دشمنان اسلام، به بی احترامی برادشته شده، بد نامی اسلام را فقط برای پیشبرد پلانهای شوم دشمنان اسلام پیش میبرنلو به الصلح خیر معتقد نیستند، مشغولیت مارا رقم میزند. سادات صاحب، عوض جار و جنجال بایک مسلم خدا پرست شما به این گروه نا بکار درس اسلام حقیقی بدهید، آنهم اگر! شما به اسلام حقیقی که با پیروی از آیات مقدس و احادیث متبر که٬فوق ذکر شد عقیده داشته باشید که متیقنم صاحب عقیدت راسخ هستید. سادات صاحب، بازهم شما را تکلیف داده میخواهم با قسمت اخیرایت متبر که٬نمبر ۱۵ سورة شورا جزء ۲۵ با تعقل تلاوت فرمائید: (الله پرورد گار ما و پرورد گار شماست، ماراست کردار های ما و شماراست کردارهای شما؛ هیچ خصوصت نیست میان ما و میان شما؛ الله جمع میکند میان ما (و شما) و بسوی اوست باز گشت).

باید به این نتیجه برسیم، که اصطلاحات کفر و شرک مورد بازیچهٔ سیاسی، فردی، تجارنی و عنعنوی و مسخرگی قرار نگیرد. شما و همقطاران تان به اصطلاح با ربگی که زیر دندان تان میآید هر کس را کافر ومشرک صدازننید ورنه کفر بشما بر میگردد و بجرم یک قتل هم سزاوار جزای دنیوی و اخروی میگردد. روی همین دلیل است که باوجودعرضهٔ آیات مقدس خداوندی واحادیث متبر که٬محمدی در بالامن بشما کافرا با مشرک اطلاق کرده نمیتوام، این وظیفهٔ شما هاست که نگذارید دیگر کلمهٔ کفر و شرک به ناحق مثل کاه بهر سو پراکنده شود .

بالآخره، به اساس آیت متبر که٬(والموفون بعهدهم اذا عاهدوا) بوعدۀ تان وفا نموده درپروگرام تان و درمقابل همان میکروفون تان که این وعده رابه مسلمانان جهان و شنوندگان تان داده بودید، اقرار کنید که مضمون داکتردستگیر در هفته نامهٔ وزین امید شمارا از خواب گران بیدار ساخت و آنچه بشفیع عیار و دیگران: (تو) شفیع عیار) اگر شک کنی یا نکنی کافر هستی، کسیکه در کفر تو شک دارد او هم کافر است) یک اشتباه محظ بوده دربار خداوند ازین اتهامات که برایتان ضد آیت و حدیث ثابت شد طلب مغفرت نمائید.

من این نوشته خود را با آیت متبر که٬نمبر ۲۵ سورة شورا جزء بیست و پنجم و چند بیتی از مولاتای بلخی رومی (از کتاب ...و چنین گفت مولوی، مولف: مهدی سیاح زاده) بابانی می بخشم: (و اوست آنکه قبول میکند توبه را از بندگان خود، و در میگزرد از گناهان و میداند آنچه میکند).

سنگ را صد سال گوئی : لعل شو! کهنه راصد سال گوئی: باش نو!

خاک را گوئی: صفات آب گیر! آب را گوئی: که غسل شو یا شیر!

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر کز دیو و دد، ملولم و انسانم آرزوست گفتند: یافت می نشود، جسته ایم ما گفت: آنکه یافت میشود،آئم آرزوست این زبان چون سنگ وهم آهن وش است

و آنچه بجهد از زبان، چون آتش است

ز آنکه تاریکی است و هر سو پنبه زار

در میان پنبه، چون باشد شرار!

ظالم آن قومی که، چشمان دوختند

ز آن سخن ها، عالمی را سوختند
والسلام علی من اتبع الهدی /

برنامهٔ تلویزیونی (دریچهٔ سخن) با کریم نوری

به اطلاع علاقمندان گرامی برنامهٔ دریچهٔ سخن با کریم نوری رسانده میشود که قراراست سومین برنامه به تاریخ اول اگست ۲۰۱۵ ساعت چهار عصر به وقت نیویارک وواشنگتن، ساعت یک ظهر به وقت کالیفورنیا، ساعت ده شب به وقت اروپا، ساعت ۳۰/۱۲ شب به وقت افغانستان و ساعت هشت صبح به وقت استرالیا ازطریق شبکهٔ جهانی پیام افغان، برای سه ساعت مستقیماً پخش گردد ه عزیزی که نظریات، سئوالات و پیشنهادات داشته باشند، لطفاً باتلفون یا فیسبوک ویا آدرس پستی ذیل تماس حاصل فرمایند.

Karim-Noori Facebook ۲۴۰۵۲۲۲۸۴۵
PO Box 520195 Flushing NY 11352
ازلطف ومهربانی دوستان ارجمندی که برنامه های قبلی را پسندیده اند، ویپامهای محبت آمیز وپراز صفا وصمیمیت فرستاده اند، ممنون و مشکورم .
قابل یادآوری است که برنامهٔ تلویزیونی دریچهٔ سخن با کریم نوری، قبلاًنیز ازطریق رادیوپگاه به گویندگی وگرداندگی کریم نوری پخش می گردید.
باحرمت فراوان،

مشتاق احمد کریم نوری، متصدی برنامهٔ دریچهٔ سخن . /

امید : همکاران قلمی و اداری هفته نامهٔ امید، مؤفقت همکار عزیز خود، جناب آقای مشتاق احمد کریم نوری را در ارائهٔ برنامهٔ مؤفقی و دیدنی دریچهٔ سخن، آرزو نموده، برایش سلامتی وطول عمرمی خواهند./

صفحاتی از یک زندگی پرنشپ وفراز (دنباله ازصفحهٔ چهارم)
و گردشگاههای بر سبزه وپرگل ودرخت شود وبکوشد وبگذارد تا سرور و گشایش معنوی، درپهنای مناظرزیبا وروحپرور طبیعت، جای اندیشه ها و کدورتها ووسوسه هاوترس و هراس ها را بگیرد، و روزنه هایی بسوی فرداهای پرامیدبازشود.

درقبال این پدیده های اثر گذار، افکارم باحسرت وآه متوجه سر نوشت پر ازترس وواهمهٔ افراد خاصناً کودکائی میشود که زیادتراز دو دهه به اینطرف چه شها وجه روزهای وحشتناک وپرهراسی را دربرابر انفجارات ناگهانی و حملات زمینی وهوایی وراکت اندازی ها و آتش سوزنها متحمل شده اند، وهر حادثهٔ اعماق روح وروان شان راشکافته وعقدہ های غامضی درسیر حیات شان بیجاگذاشته است.

همین لحظه ییادمی آورم ترس وواهمهٔ را که ازوقوع یک زلزله احساس کرده وترس داشتم که مبادا زمین لرزهٔ دیگری وشدبدتری شود. آیا کسانیکه درهمین شب وروزحسرتیار واسف انگیز افغانستان مواجه به چنین تکانهاودهشت افگنی های دژخیمان وافتجاردهندگان انتحاری و آدم ربایان و آدمکشان میباشند، گذشت زمان برحادثهٔ زندگی پرمشتق ویی یار ویاور وبه اصطلاح بی باز خواست را چگونه سپری میکنند؟ شاید یگان غمگسار وتسلّی دهندهٔ پراحساس موقتاً کدام توجه انسانی به آنها مبدول بدارد، ولی مصیبت دیدگانی که تعداد شان ازصدہاهاار زیادتراست، این شعرشاعرا زبرلبان خشکیده وکم رنگ خود زمزه خواهند کرد :

سروشک از رخم پاک کردم چه حاصل
علاجی کن کز دلم خون نیاید
درواقیعت همهٔ مصیبت دیدگان درهمین آرزویند که دیگرازدل شان خون نیاید وشبهای یلدای زندگی به صبحگاهان روشن را درفرجام داشته باشند. در همین لحظه یادم آمدازیک قطعه شعر کوربایی که زیرعنوان (فردای روشن ما در کجاست) سروده، ومن متن فرانسوی آنرا خوانده وبه استقبالش چنین نوشتم :

فردای روشن ما ... در کجاست؟!

همه باهم درین زمزمه اند که فردا، فردا !

ومن می پرسم پیهم که تا ظلمت شب اینجاست،

فردای روشن ما در کجاست ؟!

میگوید در شفق داغ افقهای دور

درطلوع آفتاب، در گسترش روشنی و نور،

ولی سالهاست در انتظار صبح این شب بلدا هستم

همه جا در جستجوی آن فرخنده فردا هستم :

فردای پیوندهای محکم و قیام همگان

نیرویش وحدت و پیمان راستین من و تو...

برهم زن صف تاریک دشمنان و بیگانگان،

آن که چون مار ، خانه کرده اند در آستین من و تو ...

کجاست فردایی که درآن اهریمن جنگ نباشد ؟!

زمین وطن جولانگهٔ دزدان ناموس وننگ نباشد ؟!...

من و تو تپای چنین دشمنان را ازوطن دور نسازیم،

تا چشم عدو را با تیر همرنگی و وحدت کور نسازیم،

راه صلح و آزادی و طلیعهٔ نوروز ما، پیهم ناپیدا خواهد بود،

بسی فرداهای دیگر، چون امروز ما، یی فردا خواهدبود ! (ادامه دارد)

هلاکت ۱۱تروریست دردرگیری داعش وظلبران

۲۶ جولای /انگرهار-باختر: ۱۱تروریست در درگیری میان گروه های تروریستی طالبان وداعش درولایت ننگرهارکشته ۲۴ تن شان زخم برداشتند. در این رویارویی ها چهار تروریست از دوطرف نزد این دو گروه تروریستی اسیر شده اند. در گیری چاشت روز گذشته در قریهٔ موسوم به گرگری ولسوالی ده بالا آغازشد و تاوقت این روز ادامه داشت. کشته و زخمی ها وابسته به این آنها اند .

به اساس خبر دیگر، پنج تروریست به شمول دو پاکستانی دریک حمله هوایی درننگرهار کشته شدند. آنان دیروزدرفریهٔ چکچور ولسوالی لعل پور درحالیکه بایک موتربه سوی ماموریت تروریستی شان میرفتند ، آماج حمله طیاره های بدون سرنشین قرار گرفتند. گفته میشود درین حمله هوایی به باشندگان قریه چکچور آسیب نرسیده است .

هلاکت ۱۸۹ طالب در عملیات های تصفیوی

۲۴جولای /کابل -باختر: نیروهای اردوی ملی عملیات تصفیوی در بخشهایی از کشور انجام دادند و درتازه ترین انکشاف ۱۸۹ طالب مسلح به شمول یک قوماندان آنان کشته شد. این عملیاتها دربخشهای ازولسوالیهای مکنی پکیا ، المار فاریاب ، دهرآود وسراب ارزگان ، موسی قلعه هیرمند ، محمد آغه لوگر ، میوند قندهار ، بهارک بدخشان ، خواجه غار تخار ، منطقه باغ شرکت کندز و مربوطات ولسوالی موسهی ولایت کابل صورت گرفت که در آن ۱۸۹ طالب مسلح به شمول یک قوماندان این گروه بنام ملا خاکسار سه ولسوال نام نهاد شبکه تروریستان و نه اتباع خارجی کشته شده اند .

درجریان انجام این عملیاتها ۸۸ طالب مسلح زخمی و نه طالب مسلح دیگر گرفتارشدند وتعداد اسلحه و تعداد مهمات ثقیل وسایل و سایر تجهیزات نظامی بدست نیروهای شامل عملیات افتاده است .

طبق خبردیگر سیزده عسکر اردوی ملی در جریان وظایف امنیتی در کشور به شهادت رسیدند.

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر - یکسال(۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر = یکسال (۱۱۰) دالر

سایرکشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر- یکسال (۱۲۰)دالر

Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

انجنیر عبدالصبور فروزان

تلویزیون ژوندون

مظهر تعصب زبانی و قومگرایی درافغانستان

دنباله از شماره های پیشین : سردارمحمدهاشم خان جلاذ، کاکای ظاهرخان و صدراعظم آدمکش، یش ازینجصد تن ازمشایخ وعلمای هزاره رابه پهنانهٔ ملاقات ومهمانی ازمایان به کابل خواست، وبه مجرد رسیدن ایشان بکابل، همهٔ آنهارا سرزد و کشت وهیچک از آنها دوباره به هزاره جات برگشت. هاشم این عمل رایشاطر گرفتن انتقام برادرش نادر که توسط جوان شجاع ودلیبر عبدالخالق به قتل رسیده بود، انجام داد، چون شهیدعبدالخالق مبارز ازقوم شریف هزاره بود. امیرعبدالرحمن خان نیزبرای سرکوبی مردم هزارن امر (سرشان از من، مال و زن شان از شما) راداده بود وازسرکشته گان برادران هزاره کله منارها ساخته بود. اقوام دیگر کشور ازجمله نورستانی ها، تاجیکها واوزیکها نیز از شر امیر درامان نبودند، ومظالم اورا با گوشت وبوست حس کردند. مرحوم مولوی لعل محمد خطیب مسجدشریف گلری گذر ریکاخانهٔ کابل که عالم زبردست دینی و مرد خداجووبرهیز گاری بود، میگفت که عبدالرحمن خان هزاره های بیگناه را از هزاره جات آورده ودرشیر پور تخته به پشت می خواباند، دستها وباهی شانرا با همدیگر درزنچیرمی بست ودرچشمان چونه می انداخت، بیچاره گکها ازشدت سوزش چشم شان چنان دست وپامیز دند که صدای شرنگ شرنگ زنجیرهای شان افاضله های دورشنیده میشد، وامیر خودبه تماشامی آمد وازصدای زنجیر ها که همراه با ناله و زجه بود، لذت می برد.

مرحوم مولوی لعل محمدخان میفرمود که امیر به اندازهٔ مردم را زیر ظلم وستم گرفته بود که اگر کسی دهن خودرا شورمیداد سرش بریده میشد. فشار ظلم امیر بر مردم به اندازهٔ بود که وقتی اوفوت کرد، برای چندین روز کسی جرئت نمی توانست خبرفوتش را اعلان کند ومردءاش برای چندین روزدر کوئی باغ بالا باهمان لباسهایی که در تن داشت، مانده بود.

آنگاهی که علامه سیدجمال الدین افغان را امیران وقت بدستور باداران شان انگلیسها مورد تعقیب قرارداده ودرصدد گرفتاری اش افتاندد، مولوی صاحب لعل محمد درهمین مسجد گلدری اورا پناه داد تااز گزند انگلیسها وامیران جیره خوارشان درامان باشد، وتا زمانی که زمینهٔ بیرون رفتنش ازوطن فراهم شد در آنجا بود. اینکه چه ارتباطی میان این دیوود معلوم نیست، ممکن سید ذریعهٔ سفارشی از ارادتندان مرحوم مولوی صاحب ویایی ازشاگردانش به اومعرفی شده باشد. مرحوم مولوی لعل محمدخان زمانی که به رحمت حق پیوست، یکصدوچهل وپنج سال داشت(مجلهٔ ژوندون) . او از بزرگان قوم ما بود ومن باوجود اینکه پسرپیچهٔ کوچک بودم، افتخار هم صحبتی اش راداشتم . روحش شاد وهشت برین ماوایش باد.

آقای یون و فانیستان به فکر ! ببینید روانشاد مولوی لعل محمدخان دانشمند تاجیکتبار، علامه سیدجمال الدین افغان را به قیمت جان خود پناه میدهد و از عاقبت کار وازظلم ویداد امیران مستبد هراس نمیکند . ازحضرت حقی برتسید و ازبرتری جویی و خودپسندی حذرکنید، وبه برادری و برابری همه اقوام افغانستان احترام بگذارید تا فلاح ورفاه ملت افغانستان میسر گردد. / (دنباله دارد) *****

سی طالب مسلح کشته شدند

۲۵جولای /کابل -باختر: پلیس فعالیت تصفیوی را درولایات فاریاب زابل، ارزگان ، میدان وردک ، غزنی وپکیا انجام داده اند که درنتیجه ۳۰ طالب کشته وپنج طالب زخم برداشته وسه قوماندان شان گرفتار شدند. درین عملیاتها همچنان تعدادی اسلحه ، مهمات ثقیل و سایر تجهیزات نظامی نیزبدست نیروهای شامل عملیات افتاده است .

آمادگی ها برای از بین بردن دهشت افگنان

۲۱جولای /کابل -نور تی وی: سخنگویان وزارت های دفاع و داخله پس از رخصتیهای عید در مقابل دوربین خبرنگاران حاضر شده در مورد چالشهای امنیتی سخن می گویند. سخنگوی وزارت دفاع ملی میگویددر عملیاتهای روزهای عید ۶۴تن ازمخالفان مسلح دولت کشته شده، ۶تن زخمی ۲۴تن دیگرشان اسیرشدند.سخنگوی وزارت دفاع میگوید دراین عملیات ها ۱تن از نیروهای دفاعی کشور شهید شدند، به گفته وی، این ۱تن جدا از شهدای ولایت لوگر اند.

دنبال زخمی شدن بیش از صد از کودکان در اثر سلاح جنگی های پلاستیکی، وزارت داخله تمام خرید و فروش سلاح وبناقی های پلاستیکی راممنوع اعلام کرد. سخنگوی این وزارت میگوید وزیر داخله به همه منسوبان پلیس هدایت داده تاحلو فروش سلاح پلاستیکی را بگیرند.

درهمین حال سخنگویان وزارت های دفاع وداخله از آمادگی های لازم برای از میان برداشتن لانه های هراس افگنان در ولسوالی های وردوج، جرم وبمگان خبرمیدهند. بگفته آنان ولسوالی های جرم، وردوج وبمگان درمحراق توجه نهاد های امنیتی ودفاعی کشور قرار دارند.این درحالیست سخنگوی وزارت دفاع ملی میگویددر ولسوالی اچین ولایت ننگرهای ۱۸تن از گروه داعش کشته شده و ۵تن دیگرشان زخم برداشته اند.

جعل در مذاکرات ... (دنباله از صفحهٔ هشتم)

تبادل نظر در مورد راهها و وسیلههای برقراری صلح و ثبات با غروب آفتاب پس ازافطار آغاز شد و تا وعده سحر ادامه پیدا کرد. مقامات پاکستانی بر خلاف نشست بر گزار شده در شهر ارومچی چین در ماه می، اصرار می ورزند که حضور طالبان در گفت وگوهای مری با میانجیگری اسلام آبادبوده است. این درحالیست که سخنگوی طالبان افغانستان این نشستها را غیرمجاز اعلام کرده بودند.نشست دیگری در قطر نیز برگزار شده بود اما طالبان مدعی شدند در این نشست هیچ نمایندهای از سوی دولت کابل حضور نداشته است.

طالبان تاکنون هر گونه نشست مستقیم با دولت کابل را به دلیل اینکه حکومت افغانستان را دست نشانده غرب میدانند رارد میکنند.این گروه اعلام کرده که تنها با امریکا مذاکره میکند. در گفت وگوهای دولت و طالبان افغانستان در منطقه مری در پاکستان، حکمت خلیل کرزی معاون وزیر امور خارجه افغانستان نیز حضور داشت.

بزدوی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و
شاگردان لیسه عالی حبیبیه همراه با عکسهای
تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هر چه زود
تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس
هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسمبر
۲۰۱۵ ارسال دارند.

تلفون ۰۷۱-۴۳۵-۴۶۰۴
mkqawi471@gmail.com
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 24, Issue No. 1001 , July 27, 2015, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.

Tel/fax:(703) 491-6321 Cell:571 435 4604
Email : mkqawi471@gmail.com

کتاب (یادداشت‌های استاد خلیل الله خلیلی)
 توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل
 ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده
 است. علاقمندان میتوانند نسخه آنرا از
 مرجع ذیل بدست بیاورند :
**Memoirs of Khalilullah Khalili: An
 Afghan Philosopher Poet – A
 Conversation with his Daughter,
 Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554
 pages, \$19.99) is available in paperback
 in English and Persian
 at www.amazon.com.**

علی یارسا
فاز جدید صلح و جنگ در افغانستان
روزنامه‌مند گار کابل

حالا دیگر دو خط متمایز در برابر طالبان و سایر مخالفان مسلح ایجاد شده است؛ خط جنگ و خط صلح؛ هرچند پیش از این هم می‌شد که رگه‌هایی از این دو جریان را در میان تلاش‌های متراکم حکومت به تماشا نشست، اما حالا دیگر هر دو خط صلح و جنگ و فاز تازه‌ی شده است. جاده صلح حالا با تمام اما و اگرهایی برای نخستین بار وارد فاز تازه‌ی از گفت و گوها با حضور رو در روی نمایندگان باصلاحیت هر دو طرف شده است که این خود نشانگر تحول بنیادی در این روند و در نتیجه، جان گرفتن جوانه‌های جدید امید در امر دست یافتن به صلح و امنیت است. در آن سوی دیگر اما فاز جنگ هم با فشارها و حملاتی وقفه دشمنان بر نقاط مختلف کشور، ناگزیر وارد فاز جدیدی شده که در آن جمعی از مسوولان و نخبه‌گان حکومتی برای تشکیل ائتلاف‌های حزبی و مسلح‌سازی مردم در جنگ علیه گروه‌های هراس افکن آستین بالا زده‌اند.

اگر نیک بنگریم، درمی یابیم که هر دوی این جریان‌های جدید بدون شک زائیدهٔ اوضاع و شرایط جدید کشور پس از نقطهٔ عطف ۲۰۱۴ است که به نحوی قابل پیش‌بینی بود. هرچند که در این میان، متغیرهایی مانند حضور نظامی داعش در افغانستان، از جمله موارد غیر قابل پیش‌بینی به شمار می‌آید که علی‌رغم نکره بودنش، نقش کلیدی قابل توجهی در معادلات صلح و امنیت در کشور دارد. به هر روی، آنچه را نمی‌توان انکار کرد، تلاش‌های جسته و گریختهٔ متمدنیست که در بیش از ده سال گذشته همواره بخشی از انرژی و توان دولت را به خود مبذول داشته. هرچند که این تلاش‌ها تا کنون به هیچ نتیجهٔ قابل ملاحظه‌ای نرسیده است.

حالا که با توجه به شرایط جدید و تحولات اخیر، ما شاهد گذار هر دو جبهه صلح و جنگ به فاز جدید هستیم، باید پیش از هر زمان دیگری مخاطبانه بازی کنیم؛ چه این که در میدان بازی مبارزه علیه تروریسم نمی توان به انداختن تیرهای بی هدف در تاریکی دلخوش بود. رها کردن تیر در دل تاریکی شاید از یک سو سر نوشت تیرهای مان را به تاریکی ببرد، ولی از سوی دیگر گاه می تواند نتیجه معکوس هم داشته باشد و تیرهای رها شده به آسمان، به سان تَفی سربالا دوباره بر سر خودمان ببارد. رفتن به میز مذاکره به بدون یک برنامه از پیش تعریف شده، مصداق عینی رها کردن تیر در تاریکی است؛ همان طور که در میدان جنگ، به روی دست گرفتن رها استراتژی و تاکتیکیه الزامی به پیروزی نمی اتجامد. ما همین مقدمه به سراغ دو تحول عمده جدید در میدان صلح و جنگ می رویم.

عطا محمد نور، والی مقتدر بلخ که از هفته‌ها به این سو رزم‌جابه به تن کرد و در برابر پروژۀ ناامن‌سازی شمال قد علم کرده است، چندی پیش از تلاش‌هایی برای دست یافتن به یک ائتلاف استراتژیک با جنرال دوستم، علیه‌الطوریست‌ان شمال کشور یاد کرد و حالا هم در روز نخست عید، از ضلع سوم این مثلث یعنی استاد محقق پرده برداشت. به این ترتیب، دیده می‌شود که حالا مثلث جمعیت - جنبش - حزب وحدت آمده تا با تجدید خاطرهای جبهه‌آزمای مقاومت، بار دیگر صف واحدی علیه ناامنی‌های سازمان‌یافته در شمال تشکیل دهند. بدون شک نفس ائتلاف این سه رهبر مقتدر و صاحب نام شمال می‌تواند نقش سازنده‌ای در مبارزه علیه هراس افکنی در شمال داشته باشد.

وجوه مشترک هر سه ضلع این مثلث، حکومتی بودن اعضای این ائتلاف است. این که سه مهر نام‌آشنا و صاحب قدرت حکومت وحدت ملی به چنین ائتلافی روی آورده‌اند، خود نکته قابل تأویلی است که می‌تواند ما را به واقعیت‌های پنهان بسیاری رهنمون کند. به گونه مثال همین که سه مقام بلندپایه حکومت علی‌رغم اشراف نسبی بر نهادهای امنیتی در شمال کشور، به مشی مسلح‌سازی و بسیج مردم محل روی می‌آورند، خود می‌تواند داللی بر نابسندگی نیروهای امنیتی در مدیریت ناامنی‌های اخیر در شمال کشور باشد. وقتی ریاست اجرایی هم به گونه‌ای از تشکیل این ائتلاف استقبال می‌کند، رئیس‌جمهور غنی تنها مقامی است که تا کنون موضع چندان مشخصی در قبال این ائتلاف نگرفته است. این در حالی است که اتفاقاً، انتقادهای عمده در روند مدیریت ناامنی‌های اخیر شمال هم به سرقوماندانان اعلا قوای مسلح یعنی شخص رئیس‌جمهور برمی‌گردد که گاهی متهم به سهل‌انگاری در برابر تهدیدات امنیتی شمال شده است.

به هر حال علت هر چه باشد، از سهل انگاری رئیس جمهور تا ناتوانی نیروهای امنیتی و ، به نظر می رسد که پا گذاشتن به ائتلاف های حزبی با رقبای دیروز برای کسانی مانند عظامحمد نور، دوستم و محقق آخرین گزینه ممکن و از سر تاگزیری بوده است. وقتی رهبران بلامنازع شمال با تمام امکانات حکومتی یی که در دست دارند، به ائتلاف حزبی و مسلح کردن مردم روی می آورند نمی توان به چیزی جز «آغاز فصل سرد» ایمان آورد. هرچند این ائتلاف از آن جا که واکنشی معقول و مقبول در برابر هراس افکنی مفرط در شمال کشور است، اتحادی مبارک و ارزنده است، اما وقتی به شان نزول آن که چیزی جز افزایش ناامنی های سازمان یافته در سراسر کشور به خصوص در شمال نیست نگاه می اندازیم، نمی توانیم به اوضاع سیاسی کشور چندان خوش بین باشیم. ائتلاف رهبران سه گانه شمال در شرایطی که هنوز ولایات شمالی کشور نفس می کشند، می تواند نقش ارزنده ای در بسج مردم علیه هراس افکنی داشته باشد. بدون شک همه از ناامنی های اخیر سخت بیزار شده اند و در چنین شرایطی، این مثلث نوزاده می تواند اقبال بلندی در بسج مردم برای دفاع از خود و پاکسازی ولایات شمالی کشور داشته باشد. تجربه های واقعی و پراکنده ای که در طول سال های اخیر شاهد آن بودیم، نشان داده که قیام های مردمی علیه گروه های مسلح غیرمسول، کارکرد موفقی داشته است؛ تنها نقطه ضعف این حرکت های مردمی، عدم رهبری کارا و مقطعی بودن آنها بوده که به نظر می رسد این نقاط ضعف در ائتلاف جدید شمال مجال برای ظهور نبایند.

۲۲ جولای / کابل - باخترا: امروز نیز دشمنان مردم افغانستان در گوشه و کنار کشور دستهای ناپاک شان را با خون انسان های بیگناه آلودند که در دیار و خونین ترین آنهاشهادت حدود ۲۰۰ هموطن ما در اثر یک حمله انتحاری در بازار ولسوالی لمار ولایت فاریاب بود. به این مناسبت مراتب تسلیت و اندوه عمیق خود را برای همه خانواده های شهدای راه حراست از کشور ابراز داشته و برای شهدا هشت برین و برای خانواده ها و دوستان شان صبر جمیل مسئلت می دارم. از خلداند منان برای آنانیکه در این رخداد ها جراحت برداشته اند، تندرستی و سلامتی عاجل می خواهم.

میدانم که نیروهای شجاع و توانمند امنیتی ما بیش از هر زمان دیگر با حمایت مردم افغانستان مستقلانه می‌کوشند تا برای هموطنان شان در سراسر کشور امنیت و ثبات را تأمین کنند تا آنها بتوانند زندگی آرام و بی‌دردی داشته باشند. مردم افغانستان خود گذری و ابترا نیروهای امنیتی خویش را از یاد نبرده و آواز آنها بخاطر تلاش و کوشش برای برقراری صلح و امنیت کشور، حمایت و پیاسنگداری میکنند. دشمنان مردم افغانستان خود میدانند که با ترور و دهشت زنی نمی‌توانند در راه رشد و پیشرفت ماموابع ایجاد کنند. مایا برداشتن هر گونه موانع از سر راه به راه خود همچنان ادامه میدهم و طرفدار صلح و آرامش در کشور بوده و در این راستا تلاش می‌کنم.

یکبار دیگر به روح شهدای آزاده کشور اتحاف دعاموده برای خانواده های قربانیان رخدادهای امروز صبر و شکیبایی آرزو میکنم.

۱۶ جولای / اتره - باختر: ستر جنرال عبدالشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری در حالیکه با نور دوستم، یار محمد دوستم، بابر دوستم و مصطفی کمال دوستم پسران وی نیز حضور داشتند با رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه در میدان هواپیما شهر اتره دیدار کرد. درین دیدار رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه از تداوم و افزایش همکاری میان این دو کشور خبر داده افزود که ترکیه و افغانستان از دیر زمانی روابط حسنه داشته و بعد از این نیز روابط میان این دو کشور مستحکم تر خواهد شد.

معاون اول ریاست جمهوری، با قدرانی از همکاریهای همیشگی کشور دوست و برادر ترکیه در تقویت معارف و عرصه های مختلف در کشور به نیکی و یادآوری نموده و ترکیه را از جمله کشورهای مهم برای افغانستان عنوان کرد. در اخیر رجب طیب اردوغان یکبار دیگر حمایت ترکیه را از حکومت وحدت ملی ابراز داشته و از معاون ریاست جمهوری کشور خواست تا وسیلتا سلام و تمننات شان را به همتای افغانی اش محمد اشرف غنی و وزرای کابینه جدید حکومت وحدت ملی ابراز بدارند.

سترنجنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهور، به دلیل شدت گرفتن نا امنی ها در ولایات شمال به خصوص ولایت فاریاب، قبل از ختم سفرش، دوباره به کشور برگشت. وی در نخستین لحظات حضورش در کابل، وضعیت امنیتی شمال را به بررسی گرفته و از اقدامات تازه درهماهنگی با رئیس جمهور، مبینی بر تأمین امنیت شمال به خصوص ولایت فاریاب خبر داد.

جنرال دوستم افزود مردم باید اطمینان داشته باشند که وضعیت در کشور به خصوص ولایت های شمالی بهتر شده وضعیت امنیتی نسبت به هر زمان دیگر در این مناطق، تامین خواهد شد و به هیچ گروهی اجازه داده نخواهد شد که آسایش و آرامش مردم افغانستان را برهم زده، فعالیت های تروریستی را انجام دهند.

معاون ریاست جمهوری، افزود که تصمیم دادر چه زودتر به ولایت‌های شمالی سفر نموده وضعیت امنیتی در این مناطق را از نزدیک بررسی کند. او اضافه نمود که لحظه به لحظه از وضعیت فاریاب خبردار بوده و برای مسئولین امنیتی به منظور تأمین امنیت و آرامی مردم هدایت لازم را سپرده است.

۲۱ جولای / کابل - نور تی وی: سخنگویان وزارت های دفاع و داخله پس از رخصتهای عید در مقابل دوربین خبرنگاران حاضر شده در مورد چالشهای امنیتی سخن می گویند. سخنگوی وزارت دفاع ملی میگوید در عملیتهای روزهای عید ۶۶٪ از مخالفان مسلح دولت کشته شده، ۶٪ زخمی، ۴٪ دیگر شان اسیر شدند. سخنگوی وزارت دفاع میگوید در این عملیات ها ۱۱ تن از نیروهای دفاعی کشور شهید شدند، به گفته وی، این ۱۱ تن جدا از شهدای ولایت لوگرند.

در همین حال سخنگویان وزارت های دفاع و داخله از آمادگی های لازم برای از میان برداشتن لانه های هراس افکنان در ولسوالی های وردوج، جرم، یمگان خبر می دهند. به گفته آنان ولسوالی های جرم، وردوج و یمگان در محراق توجه نهاد های امنیتی و دفاعی کشور قرار دارند. این در حالی است که سخنگوی وزارت دفاع ملی می گوید در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار هر هژده تن از افراد گروه داعش کشته شده اند و ۵ تن دیگر شان زخم برداشته اند.

روند صلح و مذاکره با طالبان هم تنها و تنها در صورت پیروزی قاطع نیروهای خودی در میدانهای نبرد است که میتواند موفق و جاره ساز باشد. ورنه مذاکره یک گروه شورشی با قدرت مانور بالا و یک حکومت ضعیف، هیچ عنوان نمیتواند برای منافع ملی و حقوق اساسی شهروندان کشور، حاشیه امن بیاپسته‌یی

نویسنده: ۲۹ سرطان ۱۳۹۴

۲۴ جولای / کابل - نور تی وی: سرانجام پس از انتظار و جنجال های زیاده کمسیون اصلاحات انتخاباتی افغانستان روز چهارشنبه رسماً به کارش آغاز کرد. رئیس اجراییه حکومت هنگام آغاز به کار کمسیون ابراز امید کرد که کمسیون اصلاحات انتخاباتی بتواند کارهایش را به درستی انجام دهد تا انتخابات آینده در کشور به گونه سراسری و شفاف برگزار گردد. رئیس اجرایی گفت یکی در نیازمند بهای اساسی مردم اصلاح نظام انتخاباتی است. همچنان عبدالله گفت دولت اراده قوی برای آوردن اصلاحات در نظام انتخابات دارد و بگفته او، این خواسته مردم را کمسیون برآورده خواهد کرد. کمسیون اصلاحات انتخاباتی در حالی به کارش آغاز می کند که نهادهای ناظر انتخاباتی بارها به تاخیر افتادن فعالیت آن و ترکیب این کمسیون انتقاد کردند. چند روز پیش نهادهای ناظر بر روند انتخابات گفتند بیشتر اعضای کمسیون اصلاحات انتخاباتی به جریانهایی سیاسی حاکم وابسته هستند. این نهادها همچنان از اعضای این کمسیون خواسته بودند مسایل فنی را قربانی وابستگی های سیاسی نمانند.

اعضای این کمیسیون در نخستین نشست خبری شان از تعهدات حکومت مبنی بر تطبیق فیصله های این کمیسیون استقبال میکنند و میگویند تعهدات در قوانین انتخاباتی؛ اصلاح مقررہ ها و جستجوی راه حل های برای نجات انتخابات از فتن در گرداب تقلب از وظایف اصلی این کمیسیون خواهد بود.

توحیدی میگوید برای بیرون رفتن از مشکلات انتخاباتی، آنها پیشنهاد های مشخصی را به دولت وحدت ملی ارایه خواهند داد. در این اواخر، یکی از چنهای داغ بر کنای انده از مسئولان کمسیونهای مستقل انتخابات است که متهم به فساد و تقلب هستند. صدیق الله توحیدی، معاون کمسیون اصلاحات انتخاباتی میگوید تغییر چهره های یکی از وظایف اصلی این کمسیون در امر تغییر قوانین خواهد بود. به گفته او تا زمانیکه این افراد از وظیفه بر کنار نشوند، جلب کردن اعتماد مردم به کمسیونهای انتخاباتی کار دشواری خواهد بود. معاون کمسیون اصلاح نظام انتخاباتی میگوید سه ماه برای کار این کمسیون تخصصی داده شده است. معاون کمسیون اطمینان می دهد که در امر اصلاح نظام انتخاباتی تا پای جان تلاش می کنند.

نشریه انگلیسی‌زبان اکونومیست در مقاله‌ای اینگونه تحلیل کرده است که شرکت‌کنندگان در مذاکرات صلح پاکستان نمایندندگان طالبان نبوده بلکه به نوعی برده جنرال‌های پاکستانی بوده‌اند.

بیش از یک دهه است که مردم افغانستان به دلیل فرار از موج گرما به منطقه کوهستانی مری در پاکستان هجوم آورده‌اند. این منطقه حل برگراری اولین دور گفت‌وگوی مستقیم دولت کابل و طالبان که به عنوان مذاکرات صلح تلقی می‌شود، بود.

اکنون میست در این زمینه می نویسد: اشرف غنی در این اواخر نیز ضمن سخن گفتن در مورد استقبال گرم اسلام آباد گفت: در حال حاضر تمام ارتش پاکستان در جبهه دولت کابل است و از تمام نفوذ خود در طالبان برای آغاز مذاکرات صلح و شاید در ارایه آتش بس استفاده می کند. این در حالی است که بسیاری از افغانها نسبت به پاکستان دید مثبتی ندارند زیرا اسلام آباد به خاطر کمک و تجهیز طالبان مورد تنفر قرار دارد.

اشرف غنی نیز در تلاش است که که دیدگاه سنتی افغانستان مبنی بر مقصر دانستن پاکستان برای هر حمله تروریستی در افغانستان را اصلاح کند. در همین راستا، رئیس جمهور افغانستان چندین امتیاز بدون تفکر به پاکستان داده است. به عنوان نمونه، یکی از آن‌ها اعضای تفاهنامه اطلاعاتی میان سازمان اطلاعات پاکستان (آی.اس.آی) و ریاست امنیت ملی افغانستان بود که خشم هادهای امنیتی افغانستان را برانگیخت.

نمونه بعدی نیز اشرف غنی در یک اقدام اشتباه، ناله‌یی در ماه مارچ سال جاری میلادی به رهبران پاکستان ارسال کرد و در آن از آن‌ها خواست که هیران طالبان ساکن این کشور را دستگیر کنند.

در ۲ جون، افغانستان و پاکستان سفرای یکدیگر را بر سر یک موضوع مشترک فراخواندند که این مسئله بیشتر همانند برخی اقدامات حامد کرزی رئیس‌جمهور سابق افغانستان بود. کرزی با سیاست‌های ضد پاکستانی‌اش خود را به عنوان حامی واقعی تمامیت ارضی افغانستان معرفی کرد که بسیاری از کارشناسان برای این باورند که وی از این طریق خود را در موقعیتی قرار داد که بتواند دوباره در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند.

بنابر این گفت‌وگوها در منطقه مری در پاکستان در زمان حساسی برای شرف‌غنی انجام شد. اگرچه تعداد کمی از جزئیات گفت‌وگوها اطلاع دارند با این حال جزئیات منتشر شده نشان از اهمیت این موضوع دارد. (دنباله درص ۷)